

همه تجاوزات رژیم ضد مردمی عراق و توطئه‌های
امپریالیسم امریکا را درهم خواهیم شکست

متحد شویم!

تا پای جان از استقلال میهن دفاع کنیم!

در صفحه ۲

* اتحاد * مبارزه * پیروزی

بمناسبت آغاز سال
تحصیلی ۶۰ - ۱۳۵۹

در صفحه ۴

رژیم مرتجع عراق در خدمت امپریالیسم امریکا

در بیرون آن به شدت
می‌افزاید.

وقتی توجه کنیم کسبته
امپریالیسم در این مرحله از
حیات سنگین و روبه زوال

خود با چه بحران‌ها و
دشواری‌های عظیمی روبرو
است و از دست دادن این

منافع ، دشواری‌های و
بحران‌های امپریالیسم را تا
چه حد تشدید می‌کند و نیز

هرگاه عود کنیم که انقلاب
ایران گذشته از نابودی این
منافع با گسترش و تعمیق

خود ، بیش از پیش منافع
امپریالیسم جهانی را در
تمامی منطقه به خطر انداخته

و طوفانی از خشم انقلابی را
دامن زده است ، می‌توان
دریافت که انقلاب ما تا چه

حد جبهه ضد انقلاب را در
جهان تضعیف کرده و تا چه
حد جبهه انقلاب جهانی را

تقویت کرده است و درست
باتوجه به همین ابعاد عظیم

بقیه در صفحه ۱۴

چه کسانی در راس

کمیسیون پاکسازی

وزارت نفت

قرار دارند؟!

در صفحه ۱۲

نظامی و جاسوسی سالی
میلیاردها دلار هزینه صرف
کند و تازه بازم نخواهد
توانست این خسارات را

جبران کند .
بعلاوه پیش از انقلاب ،
دهها هزار کارشناس نظامی

کارشناس صنعتی و کشاورزی
که ضمن دریافت حقوق‌های
کلان طرح‌ها و برنامه‌های

نظامی ، اقتصادی و فرهنگی
امپریالیسم جهانی را
به‌نحوی که منافع همه‌جانبه

امپریالیسم را در میهن ما
به‌بهترین وجهی تأمین کند
اجرا می‌کردند ، اکنون از آن

دهها هزار کارشناس
امپریالیسم در ایران خبری
نیست .

از این گذشته امپریالیسم
پیش از انقلاب از ایران
به‌عنوان ژاندارم منطقه ،

برای حمایت از رژیم‌های
ارتجاعی خاورمیانه مثل
اسرائیل ، عربستان سعودی

عمان ، اردن ، مصر و غیره
و سرکوب جنبش‌های
آزادبخش خلق‌های منطقه

استفاده می‌کرد . اینک همین
وظیفه را امپریالیسم ناچار
است با اعزام دهها هزار

تفنگدار و تمرکز نیروهای
نظامی خود در منطقه
به‌عهده گیرد که از یک سو

سالیانه میلیاردها دلار هزینه
در بر دارد و از سوی دیگر
بر مشکلات عظیم سیاسی

امپریالیسم چه در درون
کشورهای امپریالیستی و چه

انقلاب ایران ، عرصه‌های سیاسی ، اقتصادی
نظامی و فرهنگی آنچنان
ضرباتی به امپریالیسم
جهانی وارد ساخته است که

قطعا نابد به عنوان یکی از
شکست‌های بزرگ امپریالیسم
آمریکا در دوران پس از جنگ

دوم جهانی ناکون به حساب
آید .

با انقلاب ایران ، غارت
بزرگه میلیون‌ها بشکه نفت
ایران و فروش سالانه

میلیاردها دلار جنگ افزار با
احلال روبرو شده است ، فروش
سالانه میلیاردها دلار

کالاها غیر نظامی و
کالاها لوکس مصرفی به‌شدت
کاهش آمده و نیز

سرمایه‌گذاری‌های بی‌حساب
امپریالیسم آمریکا در میهن
ما موقوف شده است .

بحران سکاری را در
کشورهای امپریالیستی دامن
زده ، درآمد سرشار

انحصارات جهانی را کاهش
داده و ماهیت امپریالیسم را
بیش از پیش برای زحمتکشان

کشورهای امپریالیستی روشن
ساخته است .

با انقلاب ایران پایگاه‌های
نظامی و جاسوسی امپریالیسم
آمریکا علیه اتحاد شوروی و

علیه سایر کشورهای نرفیخواه
که سالها سال در میهن ما
مستقر بودند ، به‌کلی

برچیده شده‌اند و امپریالیسم
آمریکا نابد برای حیران
از دست دادن این پایگاه‌های

در این شماره:

در صفحه ۶

کارگران مبارز ایران ، در مقابل توطئه‌های مدیرعامل
سنگرسشورا را رها نمی‌کنند

در صفحه ۱۱

ما فرد مشترک داریم : **استعمار!**

زن و خانواده در جامعه سوسیالیستی

بعضی از هر گروه دنیا شکفته می‌شود .
همچو چیز نمی‌تواند هیچ زمانی برود و از نوع امپریالیسم و جهانی زنان و
مردان کارگران را از نوع سرمایه مطلق تاورد .

در صفحه ۹

تجربه شیلی :

نفی رفرفریسم ، اثبات انقلاب

در صفحه ۸

اجرای قانون اصلاحات ارضی

خواست مبرم میلیونها دهقان است

در صفحه ۷

متحد شویم!

تجاوزات امپریالیسم امریکا و رژیم عراق را درهم کوبیم!

متحد شویم!

تاپای جان از استقلال میهن دفاع کنیم!



اکثریت

همه تجاوزات رژیم ضد مردمی عراق و توطئه‌های امپریالیسم امریکا را درهم خواهیم شکست
هم مهمن آگاه و مبارز!

رسم جنایتکار عراق که اینک با گسترش مبارزه توده‌های تحت ستم عراق به‌لرزه در افتاده است، در جهت دست یافتن به هدف‌های ضد مردمی خود و برای منحرف کردن مبارزه مردم عراق، جنگ علیه مردم میهن ما را با تمام قوا گسترش داده است.

امپریالیسم آمریکا و همه رژیم‌های ارتجاعی منطقه که منافع خویش را در گسترش هرچه بیشتر این جنگ می‌بینند اکنون با رژیم عراق در سنگر واحدی قرار گرفته‌اند.

امپریالیست‌ها از طریق دامن زدن به این جنگ می‌کوشند از یک سو شرایط را برای سرکوت‌نبرد در سرکوت جنبش مردم عراق و ادامه حیات ننگین رژیم سرکوبگر این کشور فراهم کنند و از سوی دیگر مبارزه مردم میهن ما را علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی وابسته به آن تحت‌الشعاع جنگ قرار داده و زمینه را برای عملی کردن توطئه‌های خود فراهم سازند.

هم میهنان مبارز!

جنگ بحمیلی رژیم عراق علیه مردم ایران، توطئه‌های متوالی کودتا توسط عوامل امپریالیسم در ارتش، تمرکز نیروهای آمریکائی در خلیج فارس و همچنین کودتای ترکیه همه به هم مرتبط هستند.

هسبار باشیم! دست در دست هم با تمام نیرو و تا آخرین نفس از استقلال و آزادی میهنمان دفاع کنیم! لحظات حساسی را سپری می‌کنیم. تمام مرتجعین منطقه علیه انقلاب ما بسیج شده‌اند. ارتجاع وابسته به امپریالیسم، نیروهای ضدانقلابی که منافع خویش را از دست داده‌اند، همه و همه در پی فرصت هستند تا نقشه‌های امپریالیسم را عملی سازند.

اکنون باید همه مردم ما و در پیشاپیش آنان همه نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست چون تنی واحد، در سنگری واحد برای درهم شکستن هر توطئه داخلی و خارجی با تمام نیرو به مبارزه برخیزیم.

اتحاد انقلابی ما ضامن پیروزی انقلاب ما و عامل شکست دشمنان ما است. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت) از همه نیروهای مبارز و انقلابی و قبل از همه از عموم هواداران سازمان می‌خواهد که بی‌درنگ به مراکز بسیج مراجعه کنند و در عملی کردن برنامه‌هایی که برای مقابله با توطئه‌های امپریالیسم و درهم شکستن تجاوزات رژیم جنایتکار عراق تهیه دیده می‌شود، فعالانه شرکت نمایند.

همه هواداران سازمان باید با سپاه پاسداران و کمیته‌ها که نیروهای ضد امپریالیست هستند در مقابله با توطئه‌های امپریالیسم و در دفاع از میهن در برابر تجاوزات رژیم سرکوبگر عراق پیگیرانه همکاری کنند و هر نوع خبر یا اطلاعاتی که از فعالیت نیروهای ضد انقلاب به دست می‌آوردند بدون درنگ به این مراکز برسانند.

رقای هوادار موظفند با تمام نیرو و امکانات به آسیب دیدگان جنگ یاری رسانند.

رقای هوادار باید در ارتقاء روحیه انقلابی مردم و در آگاه ساختن آنان از علل و عواقب این جنگ و عاملین جنایتکار آن از هیچ کوششی دریغ نکنند و نیز باید بکوشند تا جلو شایعاتی را که توسط ضدانقلاب پخش می‌شود، بگیرند و مانع اشاعه این شایعات شوند.

اتحاد انقلابی مردم مبارز میهن ضامن پیروزی انقلاب و درهم شکستن توطئه‌ها و تجاوزات امپریالیسم و رژیم سرکوبگر عراق است.

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا
نابود باد رژیم سرکوبگر و تجاوزکار عراق

فدائیان خلق در سراسر ایران با همه نیروی خود
از دستاوردهای انقلاب دفاع می‌کنند

آیت از کودتای ۲۸ مرداد دفاع می‌کند

جنبش سیاسی بهره‌برداری کرده و خود را تنها یاران وفادار مصدق جلوه دهند. آنها بدین ترتیب عوام‌فریبانه می‌کوشند تا از اعتبار و نفوذ مصدق در بین مردم بهره - جوئی کنند. لیبرال‌ها از جنبش بهره‌جوئی‌ای در جهت به‌سازش کشاندن انقلاب با امپریالیسم و خیانت به آرمان‌های مردم - و عقاید مصدق - استفاده می‌کنند.

شک نیست که مصدق به عنوان رهبر مبارزات مردم در جریان ملی‌کردن نفت به ضعف‌ها و اشتباهات بسیار جدی مبتلا بود که ناشی از موقعیت طبقاتی او بسود. سازشکاری‌های او در مبارزه با امپریالیسم و ارتش وابسته بدان، دشمنی با جنبش کارگری و کمونیستها و... اما علیرغم چنین سازشکاری‌هایی قطعا در اختلاف با کاشانی حق به جانب او بود. مصدق جزو دوستان خلق بوده و در چارچوب اعتقادات خود و به شیوه خود بر علیه امپریالیسم مبارزه می‌کرد. این گونه برخورد برخی از نمایندگان مجلس با مصدق نمونه دیگری است از تنگ‌نظری و انحصارطلبی سیاسی که بر سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران و مجلس شورای اسلامی حاکم است و تاکنون ضربات بی‌شماری بر انقلاب مردم ایران وارد آورده و امپریالیست‌ها بیشترین بهره‌برداری را از آن کرده‌اند ما تاکنون "ثمرات" چنین سیاستی را در زمینه‌های گوناگون شاهد بوده‌ایم. براساس همین طرز تفکر است که در جمهوری اسلامی ایران کمونیست‌ها یعنی پیگیرترین دشمنان امپریالیسم جهانی را کینه‌توزانه مورد حمله قرار می‌دهند و عوام‌فریبانه می‌کوشند دوستان مردم ایران در عرصه جهانی را دشمنان انقلاب وانمود سازند.

در جریان بررسی نامه مجلس شورای اسلامی در پاسخ به نمایندگان پارلمان آمریکا، بخشی از این نامه که به دولت ملی و قانونی مصدق اشاره کرده‌است، مورد اعتراض گروهی از نمایندگان قرار گرفت. آنها خواستار آن بودند که این بخش از نامه حذف شود.

ظاهرا دلیل مخالفت این نمایندگان با "ملی‌قانونی" بودن حکومت مصدق، اختلاف‌های او با آیت‌الله کاشانی می‌باشد. آنها کوشش می‌کنند که با طرح چنین مسائلی مصدق را مقصر جلوه داده و بر اعمال ارتجاعی کاشانی که در شکست نهضت ملی تأثیرات زیادی داشت، سرپوش گذارند. با بهره‌گیری از چنین "دلایلی" است که فردی مانند آیت امکان می‌یابد از پشت تریبون مجلس اعلام کند که این نامه با این وضع ننگی است بر دامان انقلاب ایران (منظور آقای آیت نامه‌ای است که طی آن جنایات آمریکا در ایران محکوم شده است) او زیرگانه می‌گردد با استفاده از گرایشات انحصارطلبانه حاکم بر مجلس، مبارزات دلیرانه مردم ایران و خون هزاران شهید خلق را بی‌اعتبار جلوه دهد. با این وصف آیت قیام ملی ۳۰ تیر را که برای بازگرداندن مصدق به نخست‌وزیری انجام گرفت، "تنگ‌آور" می‌داند. او مبارزات مردم در سالهای ۲۹ تا ۳۲ را نیز که تحت رهبری مصدق انجام گرفت، "لکه ننگ" ارزیابی می‌کند. او نتیجتا باید از امپریالیسم جنایتکار آمریکا به‌خاطر کودتای ضدخلفی ۲۸ مرداد و سرنگونی دولت "غیرقانونی" مصدق تشکر کند! اما انحصارطلبی حاکم بر مجلس نه تنها به عناصری همچون آیت امکان سم‌پاشی علیه مبارزات مردم را می‌دهد بلکه موجب آن می‌شود که لیبرال‌ها نیز مژورانه از

* توضیح:

به‌دلیل فنی درج مقالات "نگاهی به برنامه اقتصادی دولت رجائی" و "زمینه‌ها و پی‌آمدهای جنگ در کردستان" از شماره آینده ادامه می‌یابد.

گسترده باد همگامی و همکاری

همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می‌کنند



آموزش و پرورش آذربایجان شرقی

نزدیک به هزار نفر از معلمین آگاه و مبارز را اخراج کرده است

از جمله مهمترین موارد آن ، بازگشت کلیه معلمان اخراجی مبارز به محیط کار خود و رسیدگی به احکام صادره هیئت پاکسازی آموزش و پرورش با حضور اولیای دانش آموزان ، نماینده دانش آموزان و معلمین است .

معلمین اخراجی مبارز ، طی اعتراضات برحق خود ، با هشیاری کامل مانع از هر گونه سوء استفاده ضد انقلاب و نفوذ عناصر مشکوک در صفوف خود شده اند . آنان توانسته اند با مبارزه اصولی خود و با کار توضیحی در نقاط مختلف شهر از حمایت بسیاری از مردم و همچنین حمایت معلمینی که بر سر کارند ، برخوردار شوند . معلمین حتی نظر بعضی از مسئولین امور را نسبت به خواست های برحق خود جلب نموده اند . اینک " هیئت نمایندگی معلمین انقلابی اخراجی " از تمامی زحمتکشان آذربایجان و سراسر میهنمان می خواهد با حمایت از معلمین اخراجی راه پیشبرد سیاست های وحدت شکنانه در صفوف خلق را سد نمایند . بدون شک حمایت توده معلم و دانش آموز از معلمین اخراجی مترقی بانگ اعتراض حلق طلبانه آنان را رساتر خواهد کرد .

پرورش را نشان می دهد عبارت است از : " کمونیست دو آتشه " ، " بیست درصد کمونیست " ، " چپی شدید " ، " بخش کتاب " و دحبا اتهامات دیگر .

مسئولین آموزش و پرورش آذربایجان شرقی ، تاکنون با اتهامات فوق حدود ۹۰۰ نفر از معلمین آگاه و مبارز را اخراج کرده اند . کینه و دشمنی مسئولین آموزش و پرورش به آنجا رسیده است که از ورود معلمین به " باشگاه فرهنگیان " جلوگیری کرده و دفترچه بیمه معلمین را باطل و بلااستفاده اعلام نموده است .

اکنون معلمین اخراجی مترقی ، با اعتراض نسبت به این عمل ضد مردمی ، خواهان رسیدگی مجدد آموزش و پرورش نسبت به احکام صادره هستند . تمامی معلمین اخراجی شهرهای آذربایجان شرقی به تبریز آمده و به همراه معلمین اخراجی تبریز همه روزه در مقابل ساختمان آموزش و پرورش ، اعتراض خود را به گوش توده های مردم می رسانند . آنان برای طی مراحل قانونی اعتراض خود ، " هیئت نمایندگی " با تعداد ۱۵ نفر از میان خود برگزیده اند . آنان با صدور قطعنامه ای خواسته های برحق خود را اعلام داشته اند .

به دنبال سیاست عمومی وزارت آموزش و پرورش موج برکناری و اخراج معلمان آگاه و انقلابی آذربایجان شرقی آغاز گردید .

هیئت پاکسازی آموزش و پرورش در آذربایجان شرقی ، از پانزدهم شهریورماه ، حکم اخراج صدها تن از معلمین مبارز را به اتهامات ناروا ، مبهم و معروضه صادر کرده است . تنها در آموزش و پرورش تبریز بیش از ۳۰۰ تن از معلمین مترقی اخراج شدند و در سایر شهرستان های تابعه این تجاوز آشکار به حقوق معلمین سیر به سرعت پیش می رود .

در میان معلمین اخراجی ، بسیاری از همزمان صعد بهرنگی و بهروز دهقانی به چشم می خورند . معلمینی که سالها در احتناق و دیکتاتوری به شاگردان خود درس مبارزه و بیکار علیه دشمنان خلق را آموختند . از جمله اخراجیان اسد بهرنگی (برادر صعد بهرنگی) ، خانم نابدیل (خواهر فدائی شهید نابدیل) و بستگان بعضی از کاندیداهای انتخاباتی سازمان ما است .

اتهاماتی که در مقابل اسامی بسیاری از معلمین اخراجی دیده می شود ، کاملاً کودکانه و شگف انگیز است . از جمله اتهاماتی که به دستی کونه سبی و تنگ نظری محربان پاکسازی آموزش و

مردم مبارز و قهرمان آذربایجان ؟

اخراج ، محاکمه و دستگیری عناصر ساواکی و مزدور رژیم شاه یکی از اساسی ترین خواسته های ما معلمین انقلابی در طول اعتصابات طولانی مدت خویش قبل از قیام بوده است . اینک ما معلمین با تأیید قاطع اخراج معلمین ساواکی و مزدور و تأکید بر ضرورت تصفیه ادارات آموزش و پرورش و مدارس از عناصر وابسته به امپریالیسم و به محافل سرمایه داران ، اخراج بدون دلیل معلمان انقلابی را نادرست دانسته و شدیداً آن را محکوم می کنیم . اخراج صدها معلم مبارز و ضد امپریالیست که سالها علیه رژیم سیاه شاه مزدور مبارزه نموده و سیاه جال های ساواک را پشت سر گذاشته اند ، تنها مابه خوشحالی دشمنان انقلاب خواهد بود . اخراج معلمان زحمتکش و مبارز به اتهام داشتن عقیده و ایمانشان به آرمان زحمتکشان لکهای سیاه و تاریکی هستند که بر دامان جمهوری اسلامی ایران نقش می بندند . تنها ضد انقلاب و دوستان و جاسوسان امپریالیسم و مزدوران سرمایه داران این اقدام هیئت پاکسازی را تأیید می کنند . چرا که آنها ، یعنی معلمین انقلابی ، که اینک به شیوه تفتیش عقاید قرون وسطائی اخراج می شوند ، در دریای حمایت هزاران دانش آموز و معلم زحمتکش قرار دارند و از دشمنان سرسخت و پیگیر امپریالیسم و محافل ضد خلقی وابسته به آن می باشند . ما به دلایل صریح و روشن زیر این اقدام هیئت پاکسازی را به سود محافل امپریالیستی و دشمنان انقلاب می دانیم :

— با اخراج هر معلم مبارز و پیگیر سنگری از سنگرهای مبارزه با امپریالیسم و نوکانش در مدارس برچیده شده و امکان رشد و اشاعه فرهنگ امپریالیستی را باز می گذارد و لذا از این عمل تنها دشمنان ما سود می جویند .

اخراج ساواکی آری

اخراج انقلابیون نه

زحمتکش ملو است و سینه های پر شور و شوق جوانان مبارز تابلوهائی است که بر آنها شعار " اتحاد ، مبارزه ، پیروزی " نقش بسته است .

معلمان ، همکاران و دانش آموزان مترقی و ضد امپریالیست !

شما با درک شرایط بسیار حساس میهنمان که ضد انقلاب سعی در به آشوب کشیدن شهرها و نیل به مقاصد شوم خویش را دارد ، و با علم به ناتوانی و عجز حاکمیت در پاسخگوئی به خواسته های ریشمای مردم میهنمان خود را برابر اینگونه اقدامات سرکوبگرانه ، تشکل خود را حفظ کرده و از ارتکاب به هر شیوه ای که موجب ایجاد جو تشنج و تحریک گردد ، شدیداً اجتناب نمائید . با ارتکاب به شیوه های قانونی مبارزه و با افشاکاری های خویش ماهیت این اقدام هیئت پاکسازی را به مردم میهنمان نشان دهید — با حفظ پیوند مبارزاتی خویش با دانش آموزان و معلمین در راه احقاق حقوق ابتدائی خویش مبارزه نمائید و با این شعار صفوف مبارزاتی خویش را از نیروهای ضد انقلاب و وابسته به امپریالیسم جدا کنید :

معلم و کارکن ساواکی ، فاسد اخراج باید گردد
معلم و کارکن مبارز ، در سنگر رژیم خویش علیه امپریالیسم ، ابقا باید گسرد

— با اخراج هزاران معلم انقلابی هزاران خانواده که سالها از طریق درآمد ناچیز تنها نان آور خانواده زیسته ، به فقر مفرط کشیده شده و بر بحران بیکاری و ناامنی اجتماع می افزاید و این عمل تنها به نفع دشمنان انقلاب منجر می شود .

— دوستان و جاسوسان امپریالیسم در ایران از این عمل هیئت پاکسازی به نفع تبلیغ اهداف ضد خلقی خویش سود جسته و در ضربه زدن به انقلاب و افزایش موج نارضایتی کوشش خواهند کرد و این خود به زیان انقلاب است .

— در شرایطی که توطئه های گوناگونی انقلاب ما را در معرض نابودی و شکست قرار داده اند ، اخراج معلمین انقلابی در کنار ساواکی ها مرز دوستان و دشمنان مردم را در هم ریخته و به ایجاد جو تشنج و ناامنی کمک خواهد نمود و این خود به زیان انقلاب ماست .

ما بار دیگر ضمن تأیید عمل هیئت پاکسازی در اخراج ساواکی ها و عناصر فاسد اعلام می داریم که اخراج ما معلمین مبارز که سالها در مدارس شهرها و روستاهای آذربایجان جان کنده ایم ، عملی است غیر قانونی ، ضد دموکراتیک و غیر عادلانه . ما اعتقاد داریم که هیچ نیروئی قادر نخواهد بود پیوند مبارزاتی معلمان و دانش آموزان زحمتکش را از هم بگسلد — چرا که پیمان ما با خلق کبیرمان ناگسستی و پیکار ما با خصم ناشکستی است — برای ما معلمان انقلابی — کوجها و محلات میدانها و خیابانها ، روستاها و قصبها ، محیطهای درسی است که با هزاران دانش آموز

پیام

★ مبارزه ★ اتحاد ★ پیروزی



بمناسبت آغاز سال تحصیلی ۶-۱۳۵۹

سال تحصیلی جدید، در شرایطی آغاز می‌شود که میلیون‌ها دانش‌آموز، معلم، دانشجو و استاد، دست در دست میلیون‌ها ایرانی به‌یاخته، بیکار، شورانگیز و پر حماسه خود را علیه امپریالیسم آمریکا، این وحشی‌ترین، تجاوزکارترین و غارتگرترین دشمن خلق‌های ایران و جهان با اراده‌ای استوار و مصمم ادامه می‌دهند.

استقلال و آزادی میهن و رهائی میلیون‌ها کارگر، دهقان، کسبه، پیشور، کارمند، پرسنل انقلابی و آگاه، روحانی مبارز و روشنفکر میهن پرست ایرانی از بنم، استعمار، تبعیض، بی‌سوادی، فقر و بیماری، در گرو پیروزی سبائی این بیکار تاریخ‌ساز است. خلق ما که با سربد فهرمانه علیه امپریالیسم و سرسپردگان آن با به نمایش گذاشتن قدرت شکست‌ناپذیر زحمتکشان و شکست محنوم امپریالیسم، طوفانی از خشم اعلاسی و بیکار حوئی علیه امپریالیسم آمریکا را در جهان دامن زده و سوره درخشان و غرورانگیزی از مبارزات انسان زیر سم را علیه امپریالیسم به معنای گذشته، تا به امروز به پیروزی‌های عظیمی سائل آمده و بسیاری از سنگ‌های امپریالیسم آمریکا و سوکران و سرسپردگان داخلی آن را که تسخیرناپذیر و اسود می‌شوند، یکی پس از دیگری درهم کوبیده است.

این پیروزی‌ها که سیخه جاننازی و از خود گذشتگی‌های بوده‌های میلیون‌ها میهن ما است، آسان به دست نیامده‌اند. چه جان‌های پاک و عزیز که در، مبارزه با جنایتکارترین دشمن کارگران و زحمتکشان ایران و جهان، امپریالیسم آمریکا، به خاک و خون غلطند و چه نورسته لاله‌هایی که با عشق و امید به فردای پیروزی کارگران و زحمتکشان، سینه‌های مالا مال از عشق و امید خود را سیر گلوله‌های درحمان سرمایه‌داری ساختند و خون سرخ خود را وسقه استقلال کار، مسکن، آزادی طبقه کارگر و همه مردم ایران ساختند.

آری مردم میهن ما، یکی از شورانگیزترین مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک تاریخ را در میان آتش و خون به سس بردند و در گروه‌های معرور و رفیع میهن و دشب‌های وسیع و حاصلخیز آن بدر استقلال و آزادی افشاندند. تا سرانجام مار سنگین مبارزه را به اسحا که امروز هشتم رساندند. اگر این مبارزه رشکوه و سروش‌تار که اکنون در مقابل جبهه فشرده صدانقلاب فرار گرفته، آخرس سنگ‌های امپریالیسم آمریکا و متحدان داخلی آن را تسخیر کند، اگر فریادهای باس‌آور و سیاست‌های غفاق‌افکنانه و انحصار طلبانه نتواند، که هرگز خواهد توانست، اراده طبقه کارگر و سایر زحمتکشان ایران را در تحکیم صفوف خوشی و ادامه مبارزه تا پیروزی نهائی، درهم شکند، خلق ما بار سنگین این سرد دشوار و سهمگین را به سرنمزل مقصود خواهد رساند و شاهد پیروزی نهایی را در آغوش خواهد فشرد. این پیروزی، استقلال و آزادی میهن را برای همیشه تضمین خواهد کرد و خلق ما را برای همیشه از ستم و استعمار امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته به آن رها خواهد ساخت.

چه در مبارزه شورانگیز روزهای گذشته و چه در مبارزات سرنوشت ساز روزهای آتی، سهم میلیون‌ها دختر و پسر دانش‌آموز که مدرسه را به سنگ‌های مبارزه علیه امپریالیسم بدل ساختند، سهم دهها هزار دانشجوی حان برگرفی که همواره آماده جانفشانی در راه انقلاب بوده و هستند، سهم معلمان مبارزی که در سال‌های اختناق هرگز از مبارزه روی برننافتند، هرگز

از گفتن بازنیاستادند و در شهر و روستا پیغامبر آگاهی بوده و هستند، سهم استادان ترقیخواهی که دوشادوش دانشجویان رزمنده دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی علیه امپریالیسم و متحدان آن بیکار کرده و می‌کنند، آسپان برجسته است که بی‌تردید مبارزه آنها یکی از ارکان جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق ما به حساب می‌آید.

امروز دانش‌آموزان، معلمان، دانشجویان و استادان مبارز دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی، در ادامه مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خویش، مسئولیت‌هایی به مراتب سنگین‌تر و خطیرتر از گذشته به عهده دارند، مسئولیت‌هایی که همراه با پیچیدگی مسایل امروز جنبش، دشوارتر و پیچیده‌تر شده است و ادامه آن بیش از پیش به آگاهی، از خود گذشتگی، متانت و شکیبائی نیازمند است.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت) - با تأیید بر اهمیت آزادی فعالیت‌های صنفی و سیاسی و آزادی بیان و ععده در تعمق و گسترش انقلاب در آغاز سال‌تحصیلی جدید بر مطالبات زیر که خواست میلیون‌ها دانش‌آموز، معلم، دانشجو و استاد است تأکید می‌کند:

۱- آزادی فعالیت‌های صنفی و سیاسی در مدارس و دانشگاه آزادی تشکیل اجتماعات، انجمن‌ها و شوراهای باید تضمین شود.

آزادی فعالیت‌های صنفی - سیاسی دانش‌آموزان، معلمان و استادان اعلاسی یکی از دستاوردهای گرانمایه مبارزه ضد امپریالیستی - دمکراتیک مردم ایران است، ساسی که آزادی فعالیت صنفی و سیاسی را تضمین می‌کند، به علت اختلافات عقیدتی معلمین مبارز و انقلابی را در کنار عناصر وابسته به رژیم سابق تصفیه می‌کند، تفنیش عقاید را در آموزش و پرورش به اجرا می‌گذارد و دستور انحلال آموزش و پرورش لرستان و برخی مناطق دیگر را صادر می‌کند، بی‌شترین لطمات را به شکوفائی فرهنگی جامعه انقلابی ایران وارد کرده است. این سیاست تاکنون به وحدت مردم و به مبارزه ضد امپریالیستی - دمکراتیک میهن آسیب‌های حدی رسانده است. تنها یکی از عواقب آن این بوده است که لیبرال‌ها و سایر نیروهای مورد حمایت امپریالیسم آمریکا فرصت یافته‌اند، در پوشش دروغ‌ن و عوام‌فریبانه دفاع از آزادی‌های سیاسی در میان مردم برای خود پایگاه جستجو کنند.

تا حافی که بختیار خائن و جنایتکار، این نوکر سرسپرده و بی‌اختیار امپریالیسم نیز که در دوران سنگین به اصطلاح نخست‌وزیری‌اش، هر حرکت دانش‌آموزان و سایر مردم را به خون کشید، دم از آزادی می‌زند و لیبرال‌های رنگارنگ، آشکار و پنهان مذبحخانه در تلاشند تا این خواست‌های مبرم مردم را دستاویز هدف‌های سنگین خود که کشتن آزادی و نابودی همه ثمرات انقلاب ایران است، قرار دهند.

دانش‌آموزان آگاه و ترقیخواه، ضرورت آزادی فعالیت‌های صنفی و سیاسی را که برای تعمق و گسترش مبارزه ضد امپریالیستی و پاسداری از انقلاب میهن ضروری است درک می‌کنند و هم از این روست که فاطمانه در راه تحکیم و ایجاد شوراهای، انجمن‌ها، آزادی بیان، قلم و عقیده و اجتماعات و بطور کلی از

آزادی فعالیت‌های سیاسی و صنفی خویش، دفاع می‌کنند. دانش‌آموزان، معلمان، دانشجویان و استادان ترقیخواه، همدا با میلیون‌ها ایرانی آگاه و مبارز خواستار متوقف ساختن تصفیه عقیدتی معلمان ترقیخواه، از میان برداشتن تفتیش عقاید، و بازگشت همه معلمان و استادان ترقیخواه و میهن‌پرستی هستند که بر خلاف مصالح انقلاب و برخلاف قانون اساسی جمهوری اسلامی به حرم داشتن عقاید سیاسی از شغل خود برکنار شده‌اند.

۲- گشایش دانشگاه، این سنگر آزادی، خواست مردم ما است.

تعطیل دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی زیر عنوان "انقلاب فرهنگی" همانگونه که بارها تأکید کرده‌ایم عملاً ضدیت با انقلاب و تخریب فرهنگی است، دانشگاه‌ها که همواره از سنگ‌های خسین مبارزه در راه استقلال و آزادی میهن بوده و در این راه خون‌های بی‌شماری را در تاریخ حیات مبارزاتی خود نثار کرده‌اند، به‌ویژه در شرایط حساس امروز باید گشوده شوند. در شرایطی که امپریالیسم آمریکا و متحدان داخلی آن همه نیروی خود را علیه دستاوردهای انقلاب و در جهت به شکست کشاندن جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک زحمتکشان ایران به‌کار گرفته‌اند، هرگاه نیروی متشکل نزدیک به ۲۰۰ هزار دانشجو، استاد و سایر کارکنان دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی حضور داشته باشد، در برابر توطئه‌های گوناگون امپریالیسم آمریکا و متحدان داخلی آن، دانشگاه‌ها به یکی از سنگ‌های پایداری علیه دشمن بدل خواهند شد.

میهن ما در مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و متحدان داخلی آن بیش از پیش به پیشک، کارشناس صنعتی، کشاورزی سبداشتی، معلم و غیره نیازمند است. یک سال تعطیل دانشگاه‌ها برابر است با از دست دادن هزاران پیشک، مهندس، کارشناس و معلم. تعطیل دانشگاه‌ها گذشته از آن که سروی عظم جوانان پرشور میهن را که آماده فداکاری در راه زحمتکشان هستند، پراکنده می‌سازد، خلاف مبارزه مردم ما علیه وابستگی به کارشناسان و تکنولوژی امپریالیسم جهانی است. علاوه بر این، وقتی دانشگاه‌ها تعطیل باشند، فرزندان سرمایه‌داران و ثروتمندان به آسانی می‌توانند در خارج از ایران به تحصیل ادامه دهند، اما فرزندان زحمتکشان که توان تأمین هزینه تحصیل در خارج از ایران را ندارند، از ادامه تحصیل محروم می‌شوند. بر این اساس دانشجویان و استادان مبارز دانشگاه‌ها همراه با میلیون‌ها ایرانی آگاه و مبارز خواستار گشایش دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی هستند.

در خور تأکید است که دانشجویان و استادان ترقیخواه که خود سالها با نظام آموزشی رژیم سابق و با همه مظاهر ستم امپریالیستی مبارزه کرده‌اند، امروز بیش از همه با پلشتی‌های نفوذ فرهنگ امپریالیستی و ضرورت دگرگونی در نظام آموزشی میهن آشنا هستند و بیش از همه قدرت منطبق ساختن برنامه‌های دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی را با نیازهای انقلاب درک می‌کنند. از این رو نه تنها تصفیه عقیدتی استادان و کارکنان انقلابی و میهن‌پرست دانشگاه‌ها، به انقلاب

بقیه در صفحه ۵

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر

پیش‌تاز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران



پیغام

بقیه از صفحه ۴

بهداشت آغاز سال تحصیلی

آسب می‌رسد ، بلکه کوشش در متشکل ساختن این سروها در شوراهای دانشگاه‌ها و نه کار گیری توان‌آنان در رفع سازه‌های فرهنگی انقلاب کاملاً ضروری است و باید نقش این نوره‌ها در اداره دانشگاه‌ها و تصفیه مراکز آموزشی از وابستگی رژیم پیشین به رسمیت شناخته شود .

۳- تصفیه معلمان و استادان مبارز و انقلابی به دلیل اختلافات عقیدتی باید بی‌درنگ متوقف شود .

آر دسه از معلمان و استادان ترغیخواه که به خاطر اعتقادات سیاسی حوسن صعبه شده‌اند باید به سرکار جویی‌بارگردند

آزادی عقیده و آزادی بیان یکی از دستاوردهای گرانمایه انقلاب است . قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز این اصل را بدسرفه است که هیچ‌کس را نمی‌توان به خاطر عقاید خود مورد تعرض قرار داد . ناایسهمه حکومت جمهوری اسلامی صدها معلم و استاد مبارز را که ساری از آنها دارای سوابق درخشان مبارزه علیه رژیم پهلوی هستند به صرف داشتن عقاید سیاسی از کار برکنار ساخته است . این ساسب ارتجاعی ، ضدیت با انقلاب ایران و صدمت با خواست ملت‌ن‌ها ایرانی مبارز است .

دانش‌آموزان ، دانشجوای و همه مردم آگاه ایران حواسار موعف ساختن صعبه عقیدتی نیروهای ترفحواه و بازگسب فوری آنها برسر کار خویش هستند .

۴- نمایی نیروها و عناصر وابسته به رژیم سابق باستانی تصفیه و پاکسازی شوند .

دانش‌آموزان ، دانشجویان ، معلمان و استادان ترغیخواه همصدا با سروهای انقلابی ، از فام تاکنون همواره حواسا ، صعبه سروها و عناصر وابسته به رژیم سابق از محیط دانشگاه و مدارس بوده‌اند . آنها همصدا با همه مردم آگاه و مبارز ایران ضمن حمایت فاطم از صعبه عناصر وابسته به رژیم سابق خواهان صعبه کامل ساواکی‌ها و احراج همه وابستگیان رژیم پهلوی از محیط‌های آموزشی هستند .

۵- امکانات تحصیل راگان باید فراهم گردد .

تحصیل راگان از مطالبات ملت‌ن‌ها کارگر ، دهقان ، سبدر و کسه ایرانی است و در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز به صوب رسده است . امروز که بر دیک به ۲۵ ماه از انقلاب شگوهمد ۵۷ می‌گذرد ، هنوز به این حواسب مردم بطور اساسی اسخ گفحه نشده است . دانش‌آموزان ، دانشجویان ، معلمان و اسادان همراه با ملت‌ن‌ها ایرانی رحمکس حواسار آسب که امکانات و سهیلات آموزش و پرورش راگان ، امکانات لازم و فضای مناسب آموزشی برای فروردان نمایی کارگران و زحمتکشان فراهم گردد

۶- کتاب‌ها و مواد آموزشی باید متناسب با نیازهای انقلاب باشد .

کتاب‌های درسی و برنامه آموزشی مدارس و دانشگاه‌ها به سها تاگون ساسب با ضرورت‌های

در میان مردم پایگاه کسب کنند تا بدینوسیله مبارزه خلق ما را که می‌رود تا طومار امپریالیسم آمریکا و متحدان داخلی آن را در میهن ما برای همیشه درهم بپیچد ، از مسر خود منحرف سازند و به شکست بکشانند .

۲- برای ارتقاء آگاهی مردم و جلب هرچه بیشتر حمایت توده‌ها از مبارزات دمکراتیک دانش‌آموزان و دانشجویان باید اهمیت آزادی‌های صنفی و سیاسی ، در گسترش و تعمیق انقلاب برای مردم توضیح داده شود .

۳- شعارها ، مطالبات و اعتراضات باید منطبق بر خواست‌های برحق صنفی و سیاسی توده‌های وسیع دانش‌آموزان ، دانشجویان ، معلمان و استادان باشد و تا آنجا که ممکن است توده‌های وسیع‌تری از دانش‌آموزان ، دانشجویان ، معلمان و استادان را دربرگیرد .

۴- در جریان حرکات اعتراضی باید از برخوردهای خشونت‌آمیز که موجب تضعیف وحدت مردم و تشدید تضادهای بین نیروهای ضدامپریالیست می‌شود ، قاطعانه پرهیز کنیم و در صورت بروز خشونت در جهت پایان دادن به آن از هر طریق ممکن اقدام نمائیم . هرگونه تلاشی که از جانب لیبرال‌ها و گروه‌های هرج و مرج طلب ، انحصارطلبان قشری و هر نیروی دیگری که خواهد له تیز مبارزه را از جانب دشمن اصلی و وابستگیان آن منحرف سازد و اختلاف بین نیروهای ضدامپریالیست را به خشونت کشاند ، باید قاطعانه افشا گردد .

۵- نیروهای تنگ‌نظر و انحصارطلب می‌کوشند وانمود کنند که دانش‌آموزان به انجام وظایف درسی خویش علاقمند نیستند و تلاش دارند عوامفریبانه اثبات کنند که دانش‌آموزان ترغیخواه و مبارز خواهان به‌اشوب کشیدن و تعطیل مدارس می‌باشند و می‌کوشند اولیا ، دانش‌آموزان را با گرفتن تعهد و تهدید و ارباب با سوء استفاده از ناآگاهی آنان ، در براسر غرضان خود قرار دهند ، تا شاید حسی دانش‌آموزی را از انجام وظایف خویش در برابر انقلاب بازدارند .

اکنون دانش‌آموزان و معلمان آگاه و میهن‌پرست ما وظیفه دارند این کوشش‌ها را افشا و خنثی سازند . معلمان انقلابی وظیفه دارند به ملت‌ن‌ها دانش‌آموزان بیاموزند که چگونه درس بخوانند ، مبارزه کنند و درس مبارزه را بیاموزند .

۶- دانش‌آموزان ، دانشجویان ، معلمان ترغیخواه باید سیاست تصفیه معلمان و استادان مترقی را وسیعاً در میان مردم افشا کنند و حمایت توده‌ها را در اعتراض به این سیاست ارتجاعی جلب نمایند . بازگشت بلادرنگ معلمان و استادان ترغیخواه و انقلابی خواست میرم همه دانش‌آموزان و دانشجویان است .

باشد که مبارزات دانش‌آموزان ، دانشجویان ، معلمان و استادان ترغیخواه در دفاع از دستاوردهای خون شهیدان و گسترش و تعمیق انقلاب همراه با بیکار قهرمانانه خلق کیرمان ، سنگرهای امپریالیسم آمریکا و متحدان داخلی آن را یک به یک درهم کوبد و پیروزی کارگران و زحمتکشان ایران را به ارمغان آورد .

"گسترده باد همکاری و همگامی همه نیروهایی که در راه ایرانی آباد و دمکراتیک مبارزه می‌کنند . " مرگ بر امپریالیسم جهانی . به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و متحدان داخلی‌ش

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت) سه شنبه اول مهرماه ۱۳۵۹

انقلاب ایران تهیه و تدوین نشده ، بلکه برخی از فصول علمی کتاب‌ها در سطح دست‌رستان و دانشگاه به علت عدم انطباق آنها با احکام " مکتبی " حذف گردیده و آموزش‌های غیرعلمی جایگزین آن شده است .

دانش‌آموزان ، دانشجویان ، معلمان و استادان خواستار آسب که برنامه‌های آموزشی و کتاب‌های مدرسه و دانشگاه به کمک و مطابق با نیازهای انقلاب میهن تهیه و تدوین شوند و هر چه زودتر در اختیار دانش‌آموزان و دانشجویان قرار داده شود .

* * *

دانش‌آموزان ، دانشجویان ، معلمان و استادان میهن همراه با ملت‌ن‌ها ایرانی آگاه و مبارز بر مطالبات فوق تاکید دارند و بیکرانه برای تحقق آن تلاش می‌کنند .

برخورد انقلابی با مبارزه دانش‌آموزان و معلمان و دانشجویان و اسادان در راه دفاع از حقوق صنفی و سیاسی ، از آنجا که این حقوق لازمه گسترش و تعمیق مبارزات ضدامپریالیستی است به انقلاب آسب می‌رساند ، مبارزه در راه آزادی‌های صنفی و سیاسی باید در خدمت مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و متحدان داخلی آن باشد . این مبارزات باید به‌وسیله‌ای برای تشدید تضادهای بین نیروهای ضد امپریالیست بدل شده و شعار " مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا " را تحت الشعاع قرار دهد .

در مبارزه برای آزادی‌های صنفی و سیاسی ، طرح شعارهای نادرست و ایجاد برخوردهای خشونت‌آمیز عمل مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک مرگ میهنان را از مسیر اصلی منحرف می‌کنند و لیبرال‌ها و سایر نیروهای مورد حمایت امپریالیسم را از زیر ضرب خارج می‌سازد .

دانش‌آموزان ، دانشجویان ، معلمان و استادان مبارز !

امروز در میهن ما حکومتی سرکار است که علیه امپریالیسم آمریکا و متحدان داخلی آن مبارزه می‌کند امپریالیسم آمریکا و متحدان داخلی آن در پی سرنگونی این حکومت و نه قدرت رساندن یک رژیم سرسپرده همه نیروی خود را به کار گرفته‌اند . همه آنهایی که برای پیروزی کامل انقلاب ایران بیکار می‌کنند ، امروز باید این واقعیت را عمیقاً درک کنند تا در قبال حکومتی که از یک سو با امپریالیسم آمریکا و متحدان داخلی آن در مبارزه است و از سوی دیگر با انحصارطلبی سیاسی ، آزادی‌های صنفی و سیاسی را مورد تعرض قرار می‌دهد ، ساستی درست و اصولی در پیش گیرند .

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت) - با توجه به این واقعیات در تلاش برای گسترش و تعمیق انقلاب و پاسداری از دستاوردهای خون شهیدان به همه دانش‌آموزان ، دانشجویان ، معلمان ، استادان و کارکنان ترغیخواه آموزش و پرورش مسهن نوصیه می‌کند :

۱- باید اهمیت باز بودن مدارس وسیعاً به مردم توضیح داده شود و هر حرکت لیبرال‌ها و آثارشیست‌ها و همه کسانی که خواهان تعطیل مدارس هستند ، وسیعاً افشا گردد . باید برای مردم توضیح دهیم که وقتی لیبرال‌ها و دیگر نیروهای مورد حمایت امپریالیسم ، مودیانه برای مطالبات دمکراتیک مردم دل می‌سوراند ، در واقع با سهره‌برداری از گرایش ضد دمکراتیک و انحصارطلبانه دولت جمهوری اسلامی ، مذبحخانه تلاش دارند برای خود

مردم میهن ما تا قطع کامل سلطه امپریالیسم آمریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد



جنبش کارگری ایران

کارگران مبارز ابرو، در مقابل توطئه های مدیرعامل

سنگر شورا را رها نمی کنند

در صفحه ۱۱

"چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است"

ما درد مشترک داریم: **استثمار!**

در صفحه ۱۱

از کار امدان را — (سی حرکت بدن کامل رانو) ۳۵ تا ۵۵ درصد و میزان مسمری از کار امدادگی "جرئی" عبارتست از مسمری از کار امدادگی کلی صدر درجه از کار امدادگی جرئی. بطور مثال اگر کارگری دچار ۶۰ درصد نقص عضو شود و چنانچه حقوق و مرانی او ۲۰۰۰۰ تومان باشد و ۱۷/۵ سال مانده پرداخت حق بیمه هم داشته باشد. حدود ۱۰۰۰۰ تومان مسمری درامت خواهد کرد.

۳- غرامت نقص عضو به صورت مقطوع. وقتی عضو ناشی از کار، سن ۱۵ تا ۳۳ درصد باشد. غرامت بطور مقطوع و یکبار پرداخت می شود (نه به صورت مسمری ثابت). قانون برای هر یک از اعضای — "مناسبت" با حقوق و مرانی و میزان حق بیمه پرداختی وی، فیزی را به عنوان غرامت از کار امدادگی تعیین می کند. آئین نامه مربوط به پرداخت مسمری و غرامت در فبال حوادث ناشی از کار بخشی از قانون تامین اجتماعی است. این قانون مانده مسمری و فوایس صد کارگری رژیم گذشته هم اکنون در کارخانجات مختلف به کار گرفته می شود. این فوایس همچنانکه در شماره های پیشین "کار" بررسی شان کردم، بر اساس صنایع طفه سرمایه دار تنظیم شده و به هیچ وجه به نیازهای کارگران توجه ندارد. لغو این فوایس و تدوین فوایس جدید که بر مصلح انقلاب (منافع کارگران و رجمکنان) باشد، امری است که امروز کارگران سراسر ایران حواسار آند. شرکت مسئولانه تشکل های واقعی کارگران در تدوین فوایس جدید، موثرترین حربه تضمین کننده مصلح کارگران است. تشکل های کارگری (شوراها و سندیکاها) امروز وظیفه دارند که در لغو فوایس بارمانده از رژیم منفور پیشین بکوشند و برای تدوین و اجرای قوانینی در خور دستاوردهای انقلابی کارگران و رجمکنان مپهن با قاطعیت و پیگیری تلاش نمایند.

قانون تامین اجتماعی کنونی و نرخ دست و پا و چشم و گوش کارگران

مستمری به میزان سواب پرداخت حق بیمه یکی از ارتجاعی ترین معیارها در قانون تامین اجتماعی کوبی است.

اگر نوجه کنیم که خیل عظیمی از کارگران را سرور جوان و غیر ماهر تشکل می دهند که سابقه کار آنها از چند سال تجاوز نمی کند و معمولاً هم به واسطه فقدان مهارت فنی بیشتر ترس قربانیان سوانح هستند، روشن می گردد که حق عظیمی از کارگران در مقابل حوادث ناشی از کار در واقع حقی ندارند.

۲- از کار امدادگی جرئی. یعنی از کار امدادگی بین ۳۳ تا ۶۶ درصد اعضای بدن. از قبیل شکستگی فک پایینی که منجر به از کار امدادگی (سی حرکت شدن آن) گردد (۳۵ تا ۵۵ درصد)، کوی کامل دوگوش (۴۵ تا ۶۰%)

قطع شود و یا در اثر صریح دچار آست معری گردد. . . در صورت بروز حوادثی مشابه حوادث فوق به نسبت درجه از کار امدادگی (سن ۶۶ تا ۱۰۰ درصد) طبق فرمول زیر غرامت (حق از کار امدادگی) محاسبه شده و به صورت مسمری به کارگر حادثه دیده پرداخت می شود:

سواب حق بیمه x متوسط حقوق و مرانی تقسیم بر ۳۵ (صریح پرداخت حق بیمه مساوی است با میزان مسمری این مسمری نباید کمتر از ۵۰% حقوق و بیشتر از ۱۰۰% حقوق باشد. کارگران از کار امدادگی در صورتی می توانند از مسمری کامل برخوردار شوند که سابقه ۳۵ سال پرداخت حق بیمه مداوم را داشته باشند. که این شرط یعنی موکول کردن پرداخت

استهلاک و از کار امدادگی "ابرار" و "سابل" — برقرار است. از این رو وقتی که می خواهد در خصوص مسائل مربوط به تامین اجتماعی و بیمه (حق) نقص عضو و از کار امدادگی کارگران قانون و آئین نامه بنویسد، قانونی می نویسد و " حساب و کتابی" معین می کند که مشکلات را در فبال قربانیان حوادث پاسخگو باشد. قانونی که برای تک تک اعضای از کار امدادگی کارگران (در حوادث ناشی از کار) برخی به عنوان غرامت یا تعیین می کند و مشکلات را با پرداخت مبلغی به عنوان "صدف" بلاگردان سرمایه دار حل می کند!

آئین نامه غرامت به حق عضو و از کار امدادگی (حق از کار امدادگی) که هم اکنون در واحدهای تولیدی ایران اجرا می شود، آئین نامه ای است که در رژیم شاه در چارچوب قانون تامین اجتماعی دکتر شیخ الاسلام زاده مزدور تدوین گردید. و ۱۹ ماه پس از قیام شکوهمند بهمن ماه، همچنان به عنوان معیار قیمت گذاری اعضای از کار امدادگی بدن کارگران، به اجرا در می آید. این قانون، حق از کار امدادگی سروری کار را به نسبت درجه از کار امدادگی اعضای بدن کارگران (در اثر سوانح ناشی از کار) تعیین می کند و غرامت نقص عضو را به ترتیب زیر معین می نماید:

آنچه که در زیر می آید رهوس معیارهای تعیین حق از کار امدادگی است که در قانون فعلی (قانون شیخ الاسلام زاده) وجود دارد:

۱- از کار امدادگی کلی: یعنی از کار امدادگی از ۶۶% تا ۱۰۰% بدن. یعنی وقتی که کارگر در حین کار یک چشمش کور و چشم دیگرش شدیداً ضعیف شود و یا دو بازویش

حوادث و سوانح ناشی از کار در کارگاهها و کارخانهها هر روزه دهها قربانی به حای می گذارد. نقص عضو، از کار امدادگی و مرگ کارگران و زخمکنان در اثر سوانح ناشی از کار طایف فرسا و فسار ظالمانه روابط سرمایه داری از مره حیایات رورمره نظام ضد بشری و محط سرمایه داری است. سرمایه داران همواره سعی دارند این حیایات را حوادث طبیعی و عادی ناشی از کار فلمداد کنند و چهره رسوا و صد مردمی روابط پوسیده سرمایه داری را بیوشانند. آنها به نحوی فریبکارانه و ردیلا به کوشند تا به اصطلاح بی احتیاطی کارگران در حین اجرای کار را سب این حوادث بمانانند. سرمایه داران هیچگاه از کمبود و فقدان امکانات ایمنی، عدم آموزشهای فنی و ایمنی کارگران، از شرایط سخت و طاقت فرسای کار طولانی و سنگین، از فقدان حداقل امکانات تامین اجتماعی و خدمات درمانی و آورنند. سخی همان نمی آورنند. از اینکه باید کارگران غیر ماهر بر روی دستگاههای خطرناک و پیچیده کار کنند حرفی نمی زنند و به جای همه آنها از " بی احتیاطی کارگران و عدم تمرکز حواس آنها" و ... داد سخن می دهند. طبقه سرمایه دار، کارگر را همچون ماشینی زنده و مولد سود می بیند و مسئله تامین اجتماعی و خدمات درمانی کارگران را همان قدر ضروری می داند که روغن زدن به ماشین را برای به چرخش در آوردن آن لازم می بیند. برای طبقه سرمایه دار، مسئله نقص عضو و از کار امدادگی کارگران در سوانح کار، حکم نقص فنی ابزار و وسایل تولید را دارد نه حکم یک فاجعه انسانی را و تنها و تنها از این دریچه است که به مسائل و مشکلات کارگران می گرد. وقتی که کارگران در جریان کار دچار سانحه ای می شوند، حداعلای نگرانی سرمایه دار این است که ناگزیر شود مهره های دیگری را جایگزین مهره های از کار امدادگی و یا فرسوده نماید و مصلح ناچیزی به عنوان هزینه

نامه یک کارگر

● "اگر مردم زحمتکش به جنایات نظام سرمایه داری رضایت دهند هیچ وقت این نظام جهنمی عور نخواهد شد."

با درود فراوان به سازمان پرافتخار فدائیان خلق (اکثریت) سنگر کارگران و زحمتکشان ایران: من یک کارگر زاده هستم خودم کارگرم و هم خانواده ما نیز کارگرم. ما در زندگی مان سختی بسیار کشیده ایم و تا امروز همه خانواده ما دلمان به پدری خوش بود که ۶۰ سال داشت و در تمام مدت عمرش کار کرده و زحمت کشیده بود ولی هیچ چیز نداشت. پدرم در تاریخ ۲۹ مرداد ۵۹ زمانی که مشغول باز کردن داربست های یک ساختمان سه طبقه بود دچار برق گرفتگی شد و پس از سقوط جان سپرد. من بعد از ۲ روز به وزارت کار رفتم ولی جوابی که از مسئولین تامین

اجتماعی شنیدم این بود که: "ای آقا، کار کردن، مردن هم دارد. مقصر پدرت بود. حالا بهتر است تسو خودت را الاف نکنی، برو رضایت بده و گرنه به ضرر خودت تمام می شود."

این است جواب "مسئولین" اداره کار و تامین اجتماعی. اینها با این قوانین ضد کارگری شان وقاحت را از حد گذرانده اند و تازه یک چیزی هم طلبکارند! چه توقعات بی شرمانه ای دارند! چرا باید رضایت داد و این جنایات را ندیده گرفت. اگر مردم زحمتکش به جنایات نظام سرمایه داری رضایت بدهند و به آن عادت کنند که هیچ وقت این نظام جهنمی عوض نخواهد شد.

۴ ساعت کار در هفته خواست همه کارگران است



اجرای قانون اصلاحات ارضی خواست مبرم میلیونها دهقان است



مراکز خدمات روستائی، بنفع زحمتکشان در سراسر ایران ایجاد باید گردد

اسلامی پیگیری لازم جهت پاسخوئی به این مشکل روستائیان را فاقدند. در این زمینه نبر مطر بسیاری موارد دیگر بخش بزرگی از زحمتکشان روستا، خود اکنون درک کرده‌اند که نمی‌توان تنها به بیان خواست‌ها اکتفا کرد. باید هرچه سریعتر شوراهای واقعی ده را تشکیل داد و از طریق متحد ساختن روستاهای هر منطقه، با اسباب اعضای مبارز، هیئت‌های خدمات روستائی را تشکیل داد و به نیروی مبارزاتی زحمتکشان دولت را وادار نمود که با اعزام نمایندگان خود، این هیئت‌ها را که به دست زحمتکشان و نه نفع زحمتکشان ایجاد می‌شود به رسمیت بشناسد. وسایل لازم برای شروع کار آنها را فراهم آورد و به این ترتیب مراکز خدمات روستائی را در سراسر کشور ایجاد نماید. دولتی که همواره از زحمتکشان روستا می‌خواهد که برای مقابله با تحریم اقتصادی امپریالیسم تولید محصولات را افزایش دهند، موظف است که شرایط لازم برای اینکار را نیز فراهم آورد.

تشکیل مراکز خدمات روستائی و تأمین وسایل مورد نیاز آنها از ابتدائی‌ترین قدم‌هایی است که در این راه می‌توان برداشت.

مدتها از تصویب قانون اصلاحات ارضی می‌گذرد. اما هنوز از اجرای آن خبری نیست. زحمتکشان روستا به انتظار مقامات دولتی ننشسته‌اند و تاکنون از طریق مصادره انقلابی زمین‌های زمین‌داران بزرگ و سرمایه‌داران در بسیاری از نقاط عملا و به دست خود تقسیم اراضی را صورت داده‌اند.

در جوار مسئله زمین، مسائل متعدد دیگری هم وجود دارد که بدون حل بنیادی آنها، تقسیم زمین به‌خودی‌خود کاری از پیش نخواهد برد. تأمین ماشین‌آلات کشاورزی، تهیه کود در، سم، آب و کمک‌های مالی مورد نیاز روستائیان، برید به موقع محصولات و انتقال آنها به انبار، بیمه نمره کار زحمتکشان روستا در قبال حوادث طبیعی و اعمال خرابکارانه سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ از جمله این مسائل است. روستائیان فقیر و میانه‌حال همواره تأمین موارد فوق را از دولت خواسته‌اند. آنها به حق می‌گویند که دولت موظف است با برنامه‌ریزی جامع در جهت حل مشکل روستائیان سربا در این جهت اقدام کند.

لیکن تجربه نشان داده است که مسئولین جمهوری

باید زحمتکشان روستا خود در محل سکونت خود، با تشکل در شوراها، با مصادره زمین‌ها و با در دست گرفتن اداره امور مربوط به زندگی‌شان انجام دهند، اکنون چندماه است که در دست‌های معدود شما، مسئولین زندانی شده است. در چنین شرایطی، طبیعی است که اجرای طرح در سراسر ایران ماهها و ماهها به‌طول انجامد!

ما می‌گوئیم باید به توده‌های فقیر روستائی اعتماد داشت. باید این اصل را پایه حرکت خود قرار داد که تقسیم اراضی در درجه اول توسط خود مردم انجام می‌گیرد و دولت تنها بر این امر نظارت دارد. دلیل این‌همه تاخیر در اجرای طرح جز این است که

فصله است که هنوز هیئت واگذاری زمین در هیچ‌جای ایران زمین به کسی واگذار نکرده است بلکه در این مدت به کار تحقیق مشغول بودند که خوشختانه تحقیق هم در اکثر شهرستان‌ها رو به پایان است.

ما می‌پرسیم که چرا کار اجرای "قانون تقسیم زمینها" تا به این حد به درازا می‌کشد؟ آیا دلیل حر این است که شما در "طرح" و "اجرای طرح" فوق برانرژی انقلابی و خلاقیت توده‌ها متکی نیستید؟ آیا این همه تاخیر در اجرای قانون واگذاری زمین جز به این سبب است که شما، مسئولین جمهوری اسلامی و در این مورد ویژه، اعضای شورای ۵ نفره می‌خواهید همه کارها را از بالا و بدون مشارکت مستقیم خود زحمتکشان به انجام برسانید؟ کاری که

قانون واگذاری زمین به روستائیان چندماه پیش به تصویب رسید و برای اجراء در دستور کار ستاد واگذاری زمین و هیئت‌های ۵ نفره در مناطق مختلف قرار گرفت. هم‌زمان با تصویب این قانون نظر خود را پیرامون نکات مثبت و منفی آن اعلام نمودیم و گفتیم که این طرح می‌تواند بخشی از خواست‌های اقتصادی روستائیان روستا را برآورد و اگر در همین حد هم درست و سریع اجرا شود، در خدمت گسترش و شکوفائی مبارزه طبقاتی در روستا قرار می‌گیرد.

اکنون چندین ماه پس از تصویب این قانون، حجت‌الاسلام هرنندی عضو شورای ۵ نفره در ستاد مرکزی واگذاری زمین در مصاحبه مطبوعاتی‌شان اعلام می‌کنند که: "... ولی بحث در این

محصولات زمینهای مصادره شده، در روستاهای اطراف نقده با پیروزی کامل برداشت شد

زمینداران بزرگ می‌گویند بین زحمتکشان کرد و ترک دشمنی به‌وجود آوردند و آنها را به جان هم بیندازند.

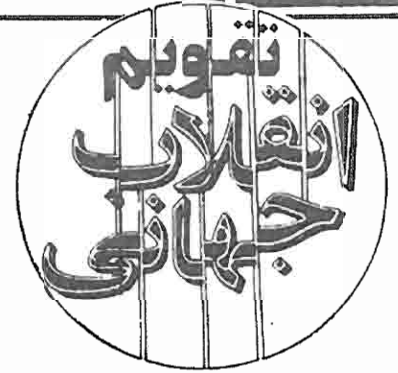
زحمتکشان کرد و ترک منطقه با آغوش باز یکدیگر را می‌پذیرند و با همه توانشان به هم کمک می‌کنند. در برخی از روستاها نظیر "بالقچی" و "میرآباد" آنها مشترکاً زمین‌های زمینداران بزرگ را مصادره کردند، باهم شورا تشکیل دادند و به یاری هم امر کاشت و داشت و برداشت را با پیروزی به پیش بردند.

برداشت و تقسیم محصولات اکنون مدتی است که با پیروزی کامل به پایان رسیده است. در حال حاضر زحمتکشان روستاهای نامبرده در تدارک کشف بعدی هستند. آنها مصممند با تمام قوا از ثمرات مبارزه خود دفاع کنند و آنها را هرچه بیشتر گسترش دهند.

شوراهایشان، با اتحاد و همبستگی کار درو را آغاز کردند. آنها اکنون پس از سالها مبارزه با ستم‌های بزرگ مالکان منطقه (سهم خسروی، مراد قطاری، عظیم عبودی و...) صاحب حاصل کار خود شده بودند. از بهار تاکنون، آنها با دسیسه‌های فراوان مالکان بزرگ برای ایجاد نفاق و دشمنی و برهم زدن وحدتشان بوده‌اند. اما موفق شده‌اند تمام این دسیسه‌ها را خنثی کنند. زمینداران بزرگ بخصوص تلاش دارند که میانه زحمتکشان کرد و ترک را برهم بزنند و آنها را به جان هم بیندازند، لیکن روستائیان به کمک شوراهای خود همه توطئه‌های آنها را نقش بر آب کرده‌اند.

مرداد ماه امسال روستاهای اطراف نقده حال و هوای دیگری داشت. زحمتکشان روستاهای "یادگار لو"، "بارانلو"، "شیرین بولاغ"، "گلوان"، "گوران آباد"، "بالقچی"، "حسنلو" "عطاءاله"، "محمدیار"، "دولت‌آباد"، "چیانه" و "میرآباد" که در بهار گذشته زمین‌های زمینداران بزرگ را مصادره کرده بودند، اکنون باید محصولات کشت شورایی خود را برداشت می‌کردند. حاصل چند ماه کارشایانه روزی و مبارزه بی‌امان با کارشکنی‌ها و خرابکاری‌های بزرگ مالکان، اکنون آماده بود تا جمع‌آوری شود. روستائیان با شور و شوق سی‌سابقه‌ای روی زمین‌ها جمع می‌شدند تا با هدایت

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند



(قسمت دوم)

تجربه شیلی؛

نفی رفرمیسم، اثبات انقلاب

رفرمیسم و خط انقلابی

در حسس چپ شیلی در برخورد به مسئله استراتژی پرولتاریا در انقلاب دو گرایش انقلابی و رفرمیستی وجود داشت - خط انقلابی بر این اعتقاد بود که پیروزی آینده دستاورد بزرگی برای طبقه کارگر شیلی می باشد، اما هرگونه توهّم رفرمیستی درباره امکان تسلیم بورژوازی به طبقه کارگر به صورت مسالمت آمیز باعث ضربات جبران ناپذیری به حنشت طبقه کارگر و خلق شیلی خواهد شد. این گرایش معتقد بود که طبقه کارگر می بایستی استراتژی خود را بر ناکزیری قهرآمیز انقلاب و صد انقلاب قرار داده و خلق را برای مقابله با سهاجم ضد انقلاب آماده و مسلح سازد. این گرایش معتقد بود که برای استقرار قدرت پرولتری ماشین دولتی بورژوازی می بایستی درهم شکسته شود و هرگونه اتکا بر نهادهای بورژوازی دامن ردن به توهّمات رفرمیستی و لنگ انداختن در مقابل صد انقلاب بورژوازی می باشد.

گرایش رفرمیستی علیرغم مواضع مترقیانه اش در مقابل انحصارات سرمایه داری و امپریالیسم با تملع این توهّمات که سنت احترام به دمکراسی، بی طرفی ارتش و اعتقاد آن به قانون اساسی و عدم مداخله آن در امور سیاسی کشور شرایط را برای کسب قدرت پرولتاریا از طریق مسالمت آمیز آماده نموده است و با طرح شعار "راه شیلی به سوی سوسیالیسم" معتقد بود از طریق کسب حمایت اکثریت توده ها و ائتلاف با بخش هایی از بورژوازی می توان قدرت حاکمه را به صورت مسالمت آمیز به کف آورده، بورژوازی را وادار به تسلیم نمود و از طریق دمکراتیزه کردن نهادهای دولت بورژوازی آن را به ارگان حاکمیت پرولتاریا تبدیل نمود.

"طبقات استثمارگر هرگز به دلخواه از عرصه تاریخ عقب نشینی نکرده و سرمایه داری انحصاری تقویت دستگاه دولتی بوروکراتیک و نظامی را متوقف ننموده و آن را در جهت تحکیم حکومت خویش و توسل به خشونت برای حکمروائی بر مردم به کار می گیرد."

مشئ مارکسیستی - لیبیستی آن است که با در نظر گرفتن تمرکز دستگاه دولتی سرمایه داری حزب طبقه کارگر استراتژی خود را بر اساس تدارک مقابله قهرآمیز برای سرکوب ضد انقلاب و درهم شکستن ماشین دولتی فراهم آورده و در عین حال از هر فرصت مناسبی که دمکراسی بورژوازی می تواند برای بسط مسالمت آمیز دامنه انقلاب به دست بدهد استفاده نماید.

آنچه مرز بین رفرمیسم و خط انقلابی را روشن می سازد رد این توهّم رفرمیستی است که گویا پرولتاریا می تواند ماشین دولتی حاصر و آماده بورژوازی (ارتش - بوروکراسی - مجلس و ...) را تصرف نموده و از طریق اصلاح و دمکراتیزه کردن آن را به دولت پرولتری تبدیل نماید. لنین این نظریه را که سوسیال دمکرات های بین الملل دوم بمانگزار آن بودند در دولت انقلاب به عنوان رفرمیسم بورژوازی رد کرده و افشا می نماید. در مورد تسلیم بورژوازی به انقلاب - گفت در زمان ما که ضد انقلاب بیش از پیش - در جهت تحکیم دستگاه دولتی بورژوازی حرکت می نماید. و بدین طریق بورژوازی به مقاومتی تا پای جان دست خواهد زد و لذا نابودی آن از طریق قهرآمیز تنها احتمال ممکن است.

حزب سوسیالیست شیلی در سندی که در سال ۱۹۷۵ با امضای مسئول کشوری هماهنگی شاخه ها

مردم یکدل و یکصدا هرگز شکست نخواهند خورد....

رژیم ضد خلقی پینوشه تنها آئنده را به شهادت نرساند. هزاران تن از مردم مبارز شیلی و صدها تن از روشنفکران و هنرمندان شیلیایی همچون نرودا و خارا به دنبال کودتای ضد خلقی و امریکائی پینوشه آماج گلوله های فراوان سرمایه داری جهانی گشتند.

آن زمان که استادیوم سانتیاگو بیش از پنجاه هزار تن از جوانان مبارز شیلی را زیر سرنیزه مزدوران ارتش ضد خلقی شیلی در خود جای داده بود، سرودهای رزمی و شورانگیز ویکتورخارا، آهنگساز و آوازخوان معروف شیلی نقش ارزنده ای در تقویت روحیه مقاومت زندانیان شیلی داشت. افسر رئیس زندان که تاثیر سرودهای خارا بر زندانیان استادیوم را دیده بود، روزی خشمگین از طنین سرود هزاران شیلیایی به خارا گفت، آیا حاضر است برای زندانیان گیتار بزند و آواز بخواند، خارا شجاعانه پاسخ داد: آری! حاضرم.

افسر رئیس زندان به یک گروهیان دستور داد:

گیتارش را بیاور!
گروهیان پس از چند لحظه تبری برای رئیس زندان آورد و چند لحظه بعد در برابر چشمان هزاران شیلیایی هر دو دست خارا را از مچ قطع کرد و آنگاه پیروزمندانه و با زهرخند گفت:
بخوان، بخوان ویکتور! چرا معطلی!
ویکتور خارا در حالیکه دستان قطع شده و خون چکانش را به سختی بلند می کرد، سرود رزمگین خود را آغاز کرد.
چند لحظه بعد صدای ویکتور در طنین فریاد هزاران شیلیایی که سرود "اتحاد خلق" را می خواندند، فضای استادیوم را سرشار ساخت.
مردم یکدل و یکصدا

هرگز شکست نخواهند خورد...
سرود هنوز به پایان نرسیده بود که مزدوران به دستور یکی از فرماندهان جلا د پینوشه جسم نیمه جان و غرق در خون ویکتورخارا را به رگبار بستند.

انتشار یافت در جمع بندی تجربه شیلی می گوید:

" علت عمده شکست، عدم درک این مسئله بود که استفاده از قانونیت بورژوازی تنها می تواند به عنوان یک تاکتیک اولیه برای طبقه در نظر گرفته شود، به عنوان وسیله ای برای تجمع نیرو به این منظور که بتواند به اهداف استراتژیک خود یعنی نابود ساختن دولت بورژوازی که ضرورتا به وسیله شکست نظامی بورژوازی و متحدانش به دست می آید و شرایط را برای برقراری دیکتاتوری پرولتاریا آماده می سازد، دست یابد.

امروزه، درباره نقش دمکراسی بورژوازی مسئله روشن است. قوانین بورژوازی، نهادهای آن، نیروهای مسلح آن و اینکه کارگران چه انتظاری از آن می توانند داشته باشند، تضادهای سیستم و نقشی که هر طبقه و قشر در آن ایفا می نماید، به خوبی عریان شده است. ما دیگر نمی توانیم خود را درباره اینکه کدام راه را برای شکست دادن بورژوازی در شیلی انتخاب نمائیم گول بزنیم.

در شماره آینده به مسئله کودتا و نقش امپریالیسم آمریکا در آن خواهیم پرداخت.

زیر نویس مربوط به قسمت اول مقاله شیلی است.

*** - رهوس اساسی برنامه " اتحاد خلقی " عبارت بود از:

۱- در زمینه قدرت: برقراری رژیم دمکراتیک در کشور از طریق:

الف - حفظ و تعمیق حقوق دمکراتیک و پیروزی های کارگران و فعال نمودن توده ها،

ب - تغییر نهادهای فعلی به گونه ای که دولت جدیدی که نمایندگان کارگران و زحمتکشان در آن قدرت داشته باشند، به وجود آید.

۲- اصلاح سیستم قضائی و جدائی کامل آن از سایر قوا:

۳- دفاع ملی: حفظ حاکمیت ملی در مقابل تجاوز خارجی بر مبنای:

الف - دفاع از خصائل ملی به وسیله نیروهای مسلح، این مسئله به معنی رد هرگونه استفاده از نیروهای مسلح در سرکوب مردم و یا شرکت آنها در فعالیت هایی که به نفع نیروهای خارجی باشد است.

ب- آموزش تکنیکی آنها که راه را برای کسب تمام دستاوردهای علم مدرن نظامی باز می کند، با توجه به ملزومات کشور، استقلال ملی، صلح و دوستی میان ملت.

ج- ادغام نیروهای مسلح در زمینه های گوناگون زندگی اجتماعی و حمایت از آنها در این راه. دولت خلقی برای شرکت و کمک ارتش در امر توسعه اقتصادی کشور بدون ضربه زدن به



دستاورد های انقلاب و سوسیالیسم



زن و خانواده در جامعه سوسیالیستی

" یخ در هر گوشه دنیا شکسته می شود .

هیچ چیز نمی تواند موج رهایی مردم را از یوغ امپریالیسم و رهایی زنان و مردان کارگر را از یوغ سرمایه متوقف سازد . "

زنان زحمتکش امکان شرکت فعال و کارساز در امور سیاسی و اجتماعی وجود ندارد ولی گذشته از این در پیشرفته ترین کشور سرمایه داری یعنی آمریکا ، زنان و آن هم زنان بورژوا ، تنها ۵٪ کرسی ها را در مجالس نمایندگی فدرال و محلی را در اختیار دارند و تنها ۹٪ کارکنان علمی کشور را تشکیل می دهند .

زنان جوامع سرمایه داری ، باید برای حقوق دمکراتیک خود مبارزه کنند . این مبارزه علاوه بر تامین حقوق دمکراتیک (هر چند ناقص ، سر و دم بریده ظاهری و محدود) برای زنان :
اولا - به آنها نشان خواهد داد که بنیاد اسارت آنها فقدان حقوق نبوده بلکه خود جامعه سرمایه داری است ،

ثانیا - زمینه مبارزه آشکارتر و مشخص تر زنان زحمتکش را بر علیه سرمایه داری و به خاطر سوسیالیسم فراهم خواهد ساخت . بدین خاطر زنان زحمتکش جوامع سرمایه داری ، باید همزمان با مبارزه در راه حقوق دمکراتیک ، در راه سوسیالیسم ، تنها رهاننده آنان از ستم دوگانه نیز مبارزه نمایند . چرا که اکنون " یخ در هر گوشه دنیا شکسته شده است ، هیچ چیز نمی تواند موج رهایی مردم را از یوغ امپریالیسم و رهایی زنان و مردان کارگر را از یوغ سرمایه متوقف سازد چنین هدفی توسط دهها و صدها میلیون مرد و زن کارگر در شهر و ده دنبال می شود . به این جهت است که امر رهایی کار از یوغ سرمایه در همه دنیا به پیروزی خواهد رسید .

تمام اعضای جامعه ، تمام مردم و از جمله زنان را از یوغ سرمایه داری رها نموده و برای اولین بار در تاریخ ، روابط خانوادگی را بر اساس عشق و علاقه و احساس مسئولیت متقابل و فارغ از هر گونه ملاحظات مالی و تجاری قرار داده است .
گاهی اجمالی به وضع زنان در کشورهای سوسیالیستی و شرکت همجانیه آنها در امور اجتماعی و سیاسی مویید این امر است :

در اتحاد شوروی زنان نصف جمعیت فعال این کشور را تشکیل می دهند . در حال حاضر زنان شوروی ، ۴۰٪ کارکنان علمی ، ۸۰٪ کارکنان امور پزشکی ، اکثریت کارکنان بخش آموزش و پرورش و ۶۰٪ کارکنان بخش رادیوالکترونیک را تشکیل می دهند ، بیش از ۲۰۰ هزار زن ریاست بنگاه های صنعتی ، مزارع اشتراکی ، نهادهای اداری و آزمایشگاه ها را به عهده دارند . همچنین زنان شوروی نقش فعالانه ای در امور سیاسی جامعه بازی می کنند . در حال حاضر زنان ۳۵٪ نمایندگان شوراهای عالی جمهوری های شوروی ، ۴۸٪ نمایندگان شوراهای محلی نمایندگان خلق را تشکیل می دهند و یا زنان آلمان شرقی ۵۰٪ نیروی شاغل این کشور ، ۴۴٪ کارگران و کارکنان صنعتی ، ۴۳٪ کارگران کشاورزی ، ۸۶٪ کارکنان خدمات اجتماعی و درمانی و ۷۳٪ کادر آموزشی و فرهنگی و ۳۳٪ نمایندگان مجلس عالی خلق را تشکیل می دهند . برای مقایسه این آمار با وضع کشورهای سرمایه داری باید گفت که اصولا در کشورهای سرمایه داری برای زحمتکش و از جمله

" تا بحال هیچ حزب یا انقلابی در جهان به خواب ندیده است که مانند انقلاب بلشویک شوروی ، چنین عمیق از ریشه به ستم دیدگی و نابرابری زنان ضربه زده باشد . در اینجا هیچ اثری از نابرابری بین زن و مرد در قانون باقی نیست . قدرت شوروی همه نابرابری ها ، بخصوص نابرابری تفراتگیز ، پست و سالتوسانه ای را که در قوانین ازدواج و خانواده و نیز در رابطه با فرزندان بوده ، از بین برد . "

خانواده در جوامع طبقاتی و منجمله در جامعه سرمایه داری برای طبقات دارا و ثروتمند یک واحد تجارتي و معاملاتی و ازدواج نیز یک عمل تجارتي محسوب می شود و برای کارگران و زحمتکش خانواده چیزی جز کانونی از درد و رنج و فقر نیست . میلیون ها زن زحمتکش در جوامع سرمایه داری در کنار برادران کارگر و زحمتکش خود به شدیدترین وجه ممکن استثمار می شوند . جامعه سرمایه داری که بنیانش بر مالکیت خصوصی استوار است روح پلید خود را در همه چیز نفوذ می دهد . سرمایه داری همه چیز منجمله زن را به صورت کالا در می آورد . و با فقری که ایجاد می کند جمع کثیری از زنان را جبرا به تفلس و فقرات بار فحشاء وامی دارد . وضعیت زنان در کشورهای سرمایه داری میزان فشار و استثمار آنها نابرابری حقوق زنان و مردان و گسترش روز افزون فحشا در این جوامع به بهترین شکل ممکن چهره کربه و زشت سرمایه داری را به نمایش می گذارد .

سرمایه داران و مدافعین سرمایه داری برای پوشاندن چهره کربه این نظام ضد انسانی و برای فریب دادن کارگران و زحمتکش پیوسته با تبلیغات فراوان این دروغ کثیف را شایع کرده اند که کمونیست ها می خواهند زنان را " اشتراکی " کنند و با در جوامع سوسیالیستی زنان اشتراکی هستند !

انگلس معلم کبیر کارگران جهان ۱۳۷ سال قبل به این اتهام سرمایه داران یا سخسواکننده های داده است :

" اشتراک زنان متعلق به جامعه بورژوازی است که امروز به صورت فحشاء در این جوامع وجود دارد . اما خود فحشا در مالکیت خصوصی ریشه دارد و با برافتادن مالکیت خصوصی ، فحشاء نیز نابود می شود . بنابراین سازماندهی کمونیستی جامعه به حای این که اشتراک زنان را متداول کند ، آن را پایان می دهد "

سوسیالیسم با استقرار مالکیت اجتماعی بر وسائل تولید و از بین بردن استثمار فرد از فرد و فراهم ساختن زمینه رشد و تکامل آزادانه برای

با کمک آمریکا از کشور فرار کرد و به پاراگوئه رفت . سوموزا که از غارت و چپاول مردم نیکاراگوئه ثروت بسیاری آندوخته بود ، در پاراگوئه ۸ هزار هکتار زمین خریداری کرده بود . کشته شدن دیکتاتور سابق نیکاراگوئه موجی از شادی و شفق در میان مردم این کشور به وجود آورد و همانند مردم ایران که در مرگ شاه سابق به خیابان ها ریخته و نابودی شاه را جشن گرفته بودند ، مردم نیکاراگوئه نیز روز کشته شدن سوموزا را به روز جشن و شادی خلق مبدل ساختند .



نیکاراگوئه

"اناستاسوموزا" دیکتاتور سابق نیکاراگوئه در روز چهارشنبه گذشته در پاراگوئه به قتل رسید .

سوموزا در سال ۱۹۷۹ پس از اوج گیری مبارزات مردم نیکاراگوئه و به قدرت رسیدن ساندنیست ها

هلند

همزمان با مانورنظامی نیروهای عضو پیمان ناتو ، در هلند تظاهراتی به عنوان اعتراض به این مانورها انجام پذیرفت ! تظاهرکنندگان با مسدود کردن جاده های که محل عبور نیروهای مسلح عضو پیمان ناتو بود ، اعتراض خود را به نمایش گذاردند . بر اساس گزارش های رسیده در چند کشور دیگر اروپائی از جمله آلمان غربی نیز اعتراضاتی در این رابطه انجام شده است .

بقیه در صفحه ۱۴

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا

بقیه از صفحه ۷

اجرای قانون اصلاحات

امپریالیست‌ها و سرکرده آنها امپریالیسم آمریکا خواهان آن است. بیهوده نیست که مدام در تبلیغات رادیویی شان عوامفریبانه فریاد برمی آورند که: "هیچیک از خواستهای مردم برآورده نشده است" و چنین وانمود می‌سازند که گویا چاره درد مردم به دست آنها و نوکران جیره‌خوارشان چون خنپار و پالیزبان و خسروخان قشقایی است.

امپریالیست‌ها بر زمینه خواست‌های برآورده نشده مردم تلاش می‌کنند که خود را ناجی مردم معرفی کرده و در صدد فریب آنان برآیند. نعل و تاخیر در اجرای قانون اصلاحات ارضی در شرایط حساس کنونی زمینه را بیش از پیش برای عوام‌فریبی‌های امپریالیستها و ایادی آنان آماده‌تر می‌سازد.

اجرای قانون اصلاحات ارضی خواست وسیع‌ترین اقشار زحمتکش جامعه ما، یعنی زحمتکشان روستا است و تاخیر در اجرای آن بر مبارزات ضدامپریالیستی مردم مبین ما، ضربه وارد خواهد آورد.

شما درست عکس این عمل کرده‌اید و همواره در عمل - گفته‌اند که همه‌کارها را دولت می‌بایست احام دهد و مردم سیر دخالتی در انجام امور نداشته باشند.

اندکی توجه به شرایط سروسن‌سار اغلاب ایران، اندکی دقت در آنچه که اکنون بر دستاوردهای مبارزاتی زحمتکشان میسرار می‌گذرد، صریح ناسی از این سبگیری‌ها و عدم انعکاس و اعتماد به بوده‌ها را به روشنی نمایان می‌سازد:

زحمتکشان روستا اکنون پس از هررمان و شی از هر فسر و طغه دیگر بارگرای، کمبود کالا، و فقدان بهداشت و فرهنگ را بردوش خود احساس می‌کنند. زحمتکشان روستا دوسال پس از فبام هنوز نه‌سها بهبود محسوسی در شرایط زندگی خود احساس نمی‌کنند بلکه در بسیاری از زمه‌ها بیش از پیش خود را در فشار می‌یابند. این وضع در شرایط مشخص کنونی حامل خطرات جدی برای انقلاب ایران است. این درست همان وضعیتی است که

سیاست آموزش و پرورش دولت جمهوری اسلامی در کردستان کینه و نفرت می‌پراکند

سیاست‌های فشری خود ساخته است. با این همه آموزش و پرورش همچنان به سیاست تهدید و تحریک خود ادامه می‌دهد، طوری که نماینده تام‌الاختیار آموزش و پرورش کردستان در مصاحبه هفته گذشته خود تهدید کرد که اگر چنانچه دانش‌آموزان خود را ملزم به رعایت تعهدنامه خویش ببیند، آموزش و پرورش بار دیگر منحل خواهد شد این برخورد‌های تنگ‌نظرانه و فشری مسئولین آموزش و پرورش کردستان، ه‌تنها قادر نیست در تخفیف تشنج در کردستان موثر باشد، بلکه با تشدید کینه و نفرت در میان معلمان و دانش‌آموزان و جوانان کرد، باز هم بر تشنج اوضاع خواهد افزود.

شفاهی دست به تفتیش عقاید گسترده‌ای در مورد معلمان کردستان زده است. آنان آشکارا و بی‌پرده قانون اساسی را که خود واضع و مدافع آن هستند، نقض می‌کنند، مطابق اصل ۲۳ "تفتیش عقاید" و "نعرض و مواخذه" افراد، به صرف داشتن عقیده‌ای خاص ممنوع است. ولی آموزش و پرورش به سها به تفتیش عقاید اقدام می‌کند بلکه حتی از مواخذه معلمان و تعرض به حقوق آنان، به‌خاطر اعتقاداتشان، کوتاهی نکرده است.

بعلاوه آموزش و پرورش کردستان از تمامی دانش‌آموزان و اولیاء آنان تعهد کتبی دریافت کرده و آنها را ملزم به رعایت

ساسی که جمهوری اسلامی در کردستان برگزیده است، مانع از بازگشت آرامش به کردستان است. بخصوص سیاست آموزش و پرورش در کردستان، انزجار و نفرت دهها هزار معلم و صدها هزار دانش‌آموز را نسبت به اعمال و رویه‌های فشری برانگخته است. دولت جمهوری اسلامی با انحلال آموزش و پرورش در کردستان بیش از ۱۲۰۰۰ کادر آموزشی را از کار بیگار ساخته است و مصمم است بخش وسیعی از آنان را به انهامات ساختگی و به صرف اینکه مدافع حقوق خلق کرد هستند، از ادامه آموزش بازدارد. آموزش و پرورش کردستان از طریق امتحانات کتبی و

دولت موظف است خسارت ناشی

از خشکسالی کشاورزان راه‌چره زودتر جبران نماید!

اسال در اثر کم‌آبی، حاصل زحمات شان‌روزری هزاران دهقان زحمتکش بریاد رفت! بخصوص گروه زیادی از دهقانان کم‌زمین و بی‌زمین، برای تأمین زندگی خود کاملاً درمانده شده‌اند. آنها به بانکها، مغازه‌دارها، واسطه‌ها و... مقدار زیادی دهقانند.

دولت می‌بوانست و وظیفه داشت با حفر چاههای عمیق و نیمه عمیق، با دادن پمپ‌های آب به کشاورزان و... بطور صریح مشکل کم‌آبی را موقتا برطرف نماید. اما مسئولین دولت جمهوری اسلامی کوچکترین اقدامی در این جهت به عمل نیاوردند. دهقانان سهم قابل توجهی در انقلاب شکوهمند مردم مبین ما داشتند و دارند. باید به خواست‌های محق آنان جدا نوجه داشته، بدان‌ها پاسخ مثبت داد. باید برای جبران خسارت‌های وارده به دهقانان، هر چه زودتر اقدامات زیر به عمل آید:

۱- کلیه روستاهای خسارت دیده شناسائی شوند (روستاهای کوهستانی و جنگلی نباید فراموش

شوند.)

۲- با توجه به عرف محل و زیر نظر شورای ده میزان خسارت وارده تعیین شود.

۳- برای جبران خسارت، به دهقان کم‌زمین و بی‌زمین وام بلاعوض داده شود.

۴- بدهی‌های مربوط به وام‌های گذشته دهقان کم‌زمین و بی‌زمین بلادرنگ ملغی اعلام شود.

۵- اقدامات اولیه برای ایجاد سد‌های بزرگ و کوچک، حفر چاه‌های عمیق و نیمه عمیق و

لایروبی قنوات و آب‌بند آنها از هم اکنون جدا آغاز گردد.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت)

شاخه مازندران

۵۹/۹/۷۷

جوانان آگاه و زحمتکش روستای "آهو"

با حمایت یکپارچه اهالی

دست‌آرباب‌را از قنات ده کوتاه کردند

روستای "آهو" در شرق شهر آشتیان قرار دارد. "فاطمی" آرباب روستا در دوران رژیم ضد مردمی پهلوی قنات ده را که تنها منبع آب آشامیدنسی زحمتکشان منطقه است و در عین حال بخشی از باغات آنها را سز آبیاری می‌کند، به تصرف خود درآورد و از این طریق همواره فشار شدیدی بر مردم وارد می‌آورد.

اهالی روستا به اشکال مختلف باجور و اححاف فاطمی مبارزه کرده‌اند و همواره در صدد بوده‌اند که آنچه را که بناحق از آنها گرفته شده است، پس

بگیرند، بعد از قیام به دولت شکایت بردند و خواستار آن شدند که قنات ده آنها بازگردانده شود. جواب درستی به خواستشان داده نشد. پس تصمیم گرفتند که خود دست به کار شوند. در این راه جوانان آگاه روستا پیشقدم شدند و با حمایت همه اهالی زحمتکش قنات را مصادره کردند.

گسته بساده‌همه وابستگی‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی، و فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم امریکا



جاده رنجبران وحدت و تشکیلات است

ما درد مشترک داریم ؛ استثمار !

روز چهارشنبه ۲۶ شهریور ۱۳۵۹ مراسم تودیع ساده‌ای به مناسبت بازنشسته شدن ۲۵ نفر از کارگران قدیمی پالایشگاه تهران در رستوران پالایشگاه برگزار شد. میانگین سوابق کار این کارگران بین (۳۱ تا ۴۶ سال بود. کارگرانی که یک عمر کار و مبارزه را پشت سر داشتند، در این مراسم یکی از کارگران بازنشسته و مبارز پالایشگاه سخنرانی ایراد کرد که ما بنا به اهمیت آن مبادرت به درج آن می‌نمائیم. این سخنان به بهترین شکل بیانگر وضعیت کارگران مبارز میهن ما و بازگو کننده رنج و استثمار است که سرمایه‌داران زالوصفت بر آنان تحمیل کرده‌اند. این سخنان همچنین به گونه‌ای پرامید، آینده تابناک و نویدبخش کارگران و زحمتکشان میهنمان را تصویر می‌کند.

چند روز است که با خودم مبارزه می‌کنم. چند روزی است که به خودم فشار می‌آورم که حرفی در این جلسه نبرم و صحبتی نکنم ولی عاقبت نتوانستم به خودم بقولانم که ساکت از کنار مسئله بارسشستگی بگذرم حقیقت این است که اصلاً نمی‌خواهم صحبتی به میان آورم ولی دلم پر بود و دردهای بسیاری چون کوه بر قلم سنگینی می‌کرد. بهترین کسانی را کسبه می‌توانستم با آنها درد دل کنم، شایسته‌ترین افرادی را که می‌توانستم ناراحتی‌های درویشم را با آنها در میان بگذارم، شما عزیزانم بودید چون به چهارم عمرم را در کنار شما کارگران و در محیط کار گذرانده‌ام. سی و چند سال در بدترین شرایط در خفجان بازترین دوران‌ها و زیر فشار کم شکن کار در هوای ۵۰ درجه گرما حتی بدون آب خنک بدترین حرف‌ها و رکیک‌ترین فحش‌ها را شنیدم. ولی به خاطر عدم آگاهی کافی و به خاطر عدم اتحاد و یگانگی همیشه فرد بودیم و نه جمع. فراموش نکنم برای یکایک آنچه اکنون در محیط کار در اختیار داریم شهیدها دادیم، از آب سرد گرفته تا لنگار، کفش و رستوران تا کم کردن ساعات کار و به دست آوردن همین قانون کار طاعوسی چه شکنجه‌ها که شدیم و چه

خون‌ها که بر زمین ریخته نشد. از کنار هر یک از این مسائل که می‌گذردم، خاطرات جانگداری را به یاد می‌آورم و جاسازی و از خود گذستگی کارگران و مبارزات بی‌دری آسایشی برای به دست آوردن ابتدائی‌ترین خواست اجتماعی چون برده‌ای پر روست و روس از جلو جسم‌ام می‌گذرد. در همین پالایشگاه خاطره اولین اعتراض که جمع شدن جلسو رستوران و نخوردن غذا بود، تا اغتصابان رمان طاعت تا هجوم تاک‌ها بر روی چادرها تا حمله‌های مردوران رژیم گذشته و تیراندازی آنها، همه جلوی چشم‌ام رفته است و تا زنده‌ام فراموش نخواهم کرد. یکیک شما همواره در قلمب جای خواهید داشت. از همین با منک‌هایش گرفته تا سرکس و ویلیام، از پداله گرفته تا جوانمردی، همه و همه عزیزانی هستید که تا زنده‌ام یک دم خاطرات خوش و ناخوشی را که با هم داشتیم از یاد نخواهم برد. من با سی و چند سال تجربه کاری با سی و چند سال کار در کنار کارگران مختلف

می‌کنید. واسطه‌ها و انگ‌ها ریدگسار از من که بولند کسند اصلی کالا بودم بهر بود راسی چرا باید جس باشد؟ چرا باید هر کس که کار می‌کند، محروم از حداقل وسایل معاش باشد و کسی که کار می‌کند و اسخواسپاس چون بر کاغذ طرف است، راحت‌ترس زندگی را می‌کند. اسها آب مسائلی که بر قلم سنگینی می‌کند اسها است که می‌گویم سرمایه‌داران از اسدای اسخدام اس حسان بر قلم مرا اسسما کردید. اسها است که می‌گویم شما عربران وحدت را همسه در نظر نکردید. بگذارید بین شما غرقه بنادارید و از آب گل‌آلود ماهی بگردید. فدر بگذرگر را دادید و از من کارگر که با پوست و اسخواسم معلو به سما، معلو به طبعه کارگر همس و در این دم آحر قبول کنید کسه هسچکس بهر از خود شما به فکریان خواهد بود. متحد و یکپارچه مبارزه کنید و با سودی نظام پیوسته سرمایه‌داری از پای سسند تکایک سما را خون جان سرس نوست دارم و اگر در اس مدت عمل نادرسی از من سر رده، از همگی شما بورس می‌طلبم و با آرزوی بوقعت برای هممان از شما حداحاطی می‌کنم. پیروز باد طبعه کارگر ایران

کارگران مبارز ایرفو، در مقابل توطئه‌های مدیرعامل سنگر شورا را رها نمی‌کنند



تصمیم به انتخاب ۲ نفر نماینده (عضو) اصلی و ۴ نفر عضو علی‌البدل گرفت و در ساعت ۳/۵ روز سه‌شنبه ۱۸ شهریور ماه اعلام برگزاری جلسه‌ای با شرکت عموم کارگران نمود. در این مدت چند تن از کارگران که به‌وسیله مدیرعامل تحریک شده بودند در مقابل این تصمیم شورا دست به اعتراض زده و یکی از آنها می‌گوید: "ما انجمن اسلامی می‌خواهیم، شورا باید منحل شود". کارگران در جواب می‌گویند: "ما با انجمن اسلامی

مخالف نسیم ولی شورا هم نباید منحل شود". به دنبال این گفتگو برخورد لفظی بین اکثریت کارگران با چند کارگر تحریک شده و ناآگاه بالا گرفت و کارگران موقی سه برگزاری جلسه در آن روز نشدند. صبح روز بعد که کارگران به کارخانه می‌آیند با گروهی پاسدار در جلوی در ورودی کارخانه مواجه می‌گردند که قصد بازداشت ۲ تن از اعضای شورا و تعدادی از کارگران مبارز را داشتند ولی پاسداران با اعتراض و مقاومت دسته‌جمعی کارگران روبرو شده و بدون

سیجه مجبور می‌شوند کارخانه را ترک کنند. ولی چیزی از رفتن آنان می‌گذرد که این بار گروهی دیگر از پاسداران کمیته مرکزی وارد کارخانه می‌شوند. در این موقع چند کارگر طرفدار مدیر عامل جهت اجرای برنامه انحلال شورا سعی می‌کنند سایر کارگران درگیری ایجاد نمایند و حتی برحوردی هم پیش می‌آورند ولی کارگران با هوشیاری مانع از تشدید درگیری‌ها شده و با حمایت فعالانه و یکپارچه‌شان از شورا توطئه‌های نفاق‌افکنانه مدیر عامل را خنثی می‌کنند. بطوری که وفامهر قصد ترک

کارخانه را می‌کند ولی کارگران بران آنکه جلوی خروج اساد کارخانه را بگردند. مانع از خروج وفامهر می‌شوند و بر او نامه‌ای بنام می‌کنند که در آن از ۶ سار کارگران شکایت کرده بود پس از آنکه کارگران این نامه را می‌گیرند مدیر عامل مجبور به ترک کارخانه می‌شود و به دنبال آن اطاقس سیر سوسسب پاسداران مهر و موم می‌گردند شورای ایرفو طی مبارزه دورره‌اس، بدون آنکه سیاری به حوائماند نولید بسند و بدون آنکه فرصت به مدیریت و عناصر نعاونافکن بدهد، سها سناکای هوستباری و اتحاد عمل کارگران موقی می‌شود که توطئه‌های ضد سوراوسی و ضد کارگری آنان را نقش بر آب کند.



ضد انقلابیون در سیستان و بلوچستان توسط امپریالیسم آمریکا مسلح می شوند

با متشکل و مسلح کردن زحمتکشان منطقه به مقابله با آنها برخیزیم

انقلابیون مسلح، مردم انقلابی نیز باید مسلح شوند. باید عواقب خطرناک سیاست‌های ناپیگیر و تردید-آمیز حاکمیت را در پیشگاه مردم افشاء نمود. باید از مقامات جمهوری اسلامی پرسید که با توجه به نقل و انتقالات نظامی آمریکا در خلیج فارس و اقیانوس هند تاکنون چه اقدامی در جهت مهار و کنترل نیروی دریایی مستقر در منطقه به عمل آورده‌اند؟ آیا به مردم ایران اطمینان می‌دهند که دیگر مدنی‌ها و علوی‌ها در نیروی دریایی وجود ندارند؟ باید به مقامات جمهوری اسلامی ایران هشدار داد که ضدانقلابیون در سیستان و بلوچستان توسط امپریالیسم مسلح می‌شوند باید با متشکل و مسلح نمودن مردم به مقابله با آنها برخاست و سرانجام باید به توده‌های میلیونی سراسر ایران گفت که کویاهی در این امر، صرف نظر از آنکه چه کسی و با چه نیتی این کار را می‌کند، همسویی عملی با امپریالیست‌ها و خدمت به تحقق نقشه‌های ضد خلقی سوکران داخلی آن است.

مترقی و ضد امپریالیست و به‌ویژه هواداران سازمان در منطقه قرار دارد. آگاه نمودن توده‌های مردم به عمق فریب امپریالیسم و حامیان داخلی برای ایجاد یاس و دلسردی در میان زحمتکشان، توضیح علل وجود باسماانی‌های اقتصادی - اجتماعی کنونی و ارائه راه - حل‌های هرچه مشخص‌تر برای خروج از مشکلات موجود، برخورد با ناپیگیری و تزلزل مسئولین جمهوری اسلامی در حل مشکلات مردم و توضیح عواقب زیانبار آن برای تداوم مبارزات انقلابی - زحمتکشان از جمله وظایف اجتناب‌ناپذیر مقطع کنونی از مبارزات مردم میهن ماست در این میان تشریح صورت وحدت و همکاری گسترش‌یافته همه جریان‌های مترقی و ضد امپریالیست در جهت سازمان دادن و مسلح کردن مردم منطقه مرم‌ترین و حیاتی‌ترین وظیفه محسوب می‌شود. باید به میان مردم رفت، در زندگی و مبارزه‌شان فعالانه شرکت کرد، با آنها سخن گفت و برایشان توضیح داد که: "چرا در برابر ضد

چین وانمود می‌سازند که گویا مردم با سرنگونی رژیم ضد خلقی پهلوی مرتکب اشتباه بزرگی شده‌اند. آنها در تبلیغات کثیف رادیویشان مدام می‌گویند که همه ناسامانی‌ها از مبارزه مردم علیه شاه، آمریکا و سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ ناشی شده است و اکنون برای جبران این اشتباه باید بقایای آن رژیم یعنی بختیار و پالیزیان و دیگر بوکران امپریالیسم را در ایران بر سر کار آورد! آنها با تمام قوا دز بی‌آند که مردم را از ادامه مبارزه تا نابودی کامل سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم مایوس نمایند. در این میان رژیم جمهوری اسلامی اگرچه تاکنون گام‌های مثبتی در زمینه مقابله با ضد انقلابیون منطقه در پیش گرفته است، اگرچه در جهت افشای عوامل امپریالیسم، معرفی آنان به مردم و پشرد برنامه بسیج نظامی در مساعد و کمیته‌ها کوشش‌هایی به خرج داده است، لیکن اقداماتش در این زمینه نه تنها به هیچ‌وجه کافی نیست بلکه در مقایسه با عواقب زیانبار مجموعه سیاست‌های آن، اثرگذاری خود را تقریباً از دست می‌دهد.

ضدانقلاب تلاش دارد تا با دامن زدن به ناامنی در سیستان و بلوچستان، با ایجاد درگیری با پاسداران سوءاستفاده از حرکات قشری آنان و با غارت اموال مردم، زحمتکشان منطقه را به کوه‌های اطراف بکشانند و از طریق مسلح کردن آنان برنامه‌های ضد خلقی خود را پیش برند. درگیری بندر "راسک" که به کشته شدن ۱۱ پاسدار انجامید، نمونه‌ای از این سیاست است. ضدانقلابیون در این جریان با ایجاد وحشت از انتقام - جوئی پاسداران موفق شدند تعداد زیادی از افراد زحمتکش و به‌ویژه جوانان را به کوه بکشانند و به خدمت خود بگیرند. حمله به تانکر حامل بنزین در ماه گذشته که منجر به شهادت راننده و کمک راننده آن شد، دستگیری تعدادی از مسافرتین در جاده راسک - چابهار و... از جمله تازه‌ترین اقدامات ضد انقلابی در منطقه است. سیستان و بلوچستان محروم‌ترین منطقه میهن ماست. فقر، گرسنگی، بیماری و بیسوادی هم میهنان بلوچ و سیستانی ما را در چنگال مرگبار خود می‌فشارد. آنها از ابتدائی‌ترین امکانات زندگی محروم‌اند. گرانی، بیکاری کمبود کالا و... بیش از هر جای ایران در بلوچستان و سیستان کولاک می‌کند. نبود حداقل امکانات تولیدی اعم از کشاورزی و صنعتی قاچاق کالا خارجی را به صورت یک شیوه مرسوم امرار معاش در منطقه درآورده است هم میهنان بلوچ و سیستانی ما سال‌ها از فلاکت بی‌سابقه‌ای رنج برده‌اند. این وضعیت پس از قیام تاکنون نیز ادامه دارد. عوامل و آیدای آمریکا و رژیم‌های دست‌نشانده‌اش در منطقه نیز بیش از هر چیز بر همین فقر و نداری مردم تکیه می‌کنند. آنها با تبلیغات عوام‌فریبانه و با توزیع پول و سلاح در میان زحمتکشان

امپریالیسم آمریکا در تعبیت سیاست‌های ماجرا - حیوانه‌اش در ایران هم‌اکنون به شدت دست‌اندرکار گردآوری و مسلح کردن ضد انقلابیون: فتودال‌ها، مولوی‌های مترع، ساواکی‌ها قاچاقچیان عمده و... در سیستان و بلوچستان است. دولت‌های عراق، پاکستان عمان و شیخ‌نشین‌های خلیج فارس سر در تهیه امکانات و شرایط احراق این امر نقش فعالی ایفا می‌کنند: دولت دست‌نشانده ضیا - الحق به کمک افسران سلطان قاسمی اس بوکر حصره‌خوار آمریکا با ایجاد اردوگاه نظامی در بلوچستان پاکستان ضد انقلابیون و بسیاری از بلوچ‌های آگاه و فرقرزده پاکستانی را برای خرابکاری در ایران تحت آموزش قرار داده‌اند. راهزنان مسلح وابسته به اصطلاح "جبهه آزادی‌بخش بلوچستان" زیر نظر مستقیم دولت عراق به راهزنی و ایجاد تشنج در منطقه مشغول‌اند. چندی پیش "حمارخان" یا "جمعه خان" سرکرده این راهزنان و گوینده بخش بلوچی رادیو عراق در دوران شاه خلاد وارد پاکستان شده است تا ناراضیان را برای به بلوچستان پاکستان سازمان دهد. خوانین، قاچاقچیان عمده، ساواکی‌های فراری و لیبرال‌ها سخت به حنب و جوش افتاده‌اند. سیاست آنها ایجاد اختلاف بین فارس و بلوچ از یکسو و رو در رو ساختن گروه‌های قومی منطقه از سوی دیگر می‌باشد. آن بخش از مولوی‌ها که منافعشان در بگرو حفظ موجودیت سردارها و خان‌ها است، با تمام قوا در صداند تا با عمده کردن مسئله سنی و شیعه و سوء - استفاده از احساسات مذهبی زحمتکشان، آنها را از ادامه مبارزات انقلابی‌شان تا نابودی سرمایه‌داری و زمین‌داری بزرگ مایوس نمایند. آنها در این زمینه از حمایت مفتی‌های کراچی و مصر نیز برخوردارند.

بقیه از صفحه ۱۶

در مجلس شورای اسلامی

بخش از نمایندگان که به خواست مردم توجه داشته و از محاکمه جاسوسان آمریکائی و افشای ماهیت تجاوزکارانه امپریالیسم و افشای سیاست‌های ضد انقلابی دولت موقت دفاع می‌کنند، باید کوشش کنند که کمیسیون ویژه رسیدگی به سرنوشت گروگان‌ها، تصمیم شایسته‌ای در این مورد اتخاذ کند. برای این‌کار لازم است که این کمیسیون از نمایندگانی تشکیل شود که فکر سازش با امپریالیسم را در سرنداشته باشند. آنها باید بکوشند از ورود نمایندگان لیبرال‌ها و دیگر نمایندگان طرفدار آمریکا به درون کمیسیون فوق جلوگیری کنند.

خارجه وی از این که تصمیم به جلسات غیرعلنی گرفته شد احساس آرامش می‌کنند. لیبرال‌ها و دیگر نمایندگان که منافعشان با منافع امپریالیسم گره خورده، مایلند که مسئله گروگان‌ها دور از چشم مردم و به نحوی که کمترین زیان را متوجه امپریالیسم و دوستان آن سازد "فیصله" پیدا کند. مجلس با تصمیم در مورد احاله بررسی به کمیسیون ویژه غیر علنی عملاً به بخش از خواست لیبرال‌ها که همان تصمیم‌گیری "دور از چشم مردم" می‌باشد، تن داده است. علیرغم چنین تصمیمی آن

ناتوانی رژیم در حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی مردم، عدم توجه به وضعیت کشاورزی و صنعتی منطقه، عدم ایجاد اشتغال برای بیکاران سیستان و بلوچستان دامن زدن به موج عظیم بیکاری، تجاوز به حقوق دمکراتیک زحمتکشان، اقدامات تبعیض‌آمیز مذهبی و عقیدتی، تزلزل و تردید در سرکوب خوانین و سردارها و مولوی‌های وابسته به آنان بمناب پایگاه امپریالیسم در منطقه همه و همه زمینه را برای تبلیغات و اقدامات ضد خلقی امپریالیسم فراهم می‌آورد. بدون تردید در چنین اوضاع و احوالی، وظیفه سنگینی بر دوش نیروهای

توانایی رژیم در حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی مردم، عدم توجه به وضعیت کشاورزی و صنعتی منطقه، عدم ایجاد اشتغال برای بیکاران سیستان و بلوچستان دامن زدن به موج عظیم بیکاری، تجاوز به حقوق دمکراتیک زحمتکشان، اقدامات تبعیض‌آمیز مذهبی و عقیدتی، تزلزل و تردید در سرکوب خوانین و سردارها و مولوی‌های وابسته به آنان بمناب پایگاه امپریالیسم در منطقه همه و همه زمینه را برای تبلیغات و اقدامات ضد خلقی امپریالیسم فراهم می‌آورد. بدون تردید در چنین اوضاع و احوالی، وظیفه سنگینی بر دوش نیروهای

بسیج مسلح توده‌ها ضامن پیروزی خلق‌های ماست

نصفه از صفحه ۱

رژیم مرتجع

عراق...

انقلاب مبین ما است که اهمیت حفظ دستاوردهای انقلاب و بیرونی کامل آن برای حبه انقلاب جهانی قابل درک است.

بنا بر این روش است که چرا امپریالیسم آمریکا، همه نیروی خود و همه رژیم‌های ارتجاعی منطقه را علیه انقلاب ایران بسیج کرده است.

وقتی با توجه به واقعات فوق، سیاست دولت عراق را در مقابل حکومت جمهوری اسلامی و در برحورد با انقلاب ایران ارزیابی می‌کنیم به خوبی درمی‌یابیم که سیاست رژیم عراق مشخصاً در خدمت امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا است. حکومت عراق از قیام تاکنون همواره خواستین و فتودال‌ها را در غرب کشور علیه انقلاب ایران مسلح ساخته، فرماندهان شاه چون اویسی - بالبریان و امثال آنها را همراه با صدها نظامی مزدور و ساواکی در عراق جای داد و هرگونه امکاناتی که برای فعالیت‌های ضد انقلابی آنها علیه مردم ایران لازم است، در اختیار آنان گذاشته است. حکومت عراق همواره در جهت تندید جنگ کردستان که موجب تقویت وسیع ضدانقلاب در منطقه می‌گردد همه تلاش خود را به کار بسته و هزاران مرد مسلح را در غرب مبین علیه انقلاب بسیج کرده است. رژیم عراق برای تخریب لوله‌های نفت مزدور به ایران اعزام داشته و خلاصه هر اقدامی را که وابسته علیه انقلاب ما مرکب شده است

رژیم عراق با نهان کردن عله ایران، عملاً در کنار امپریالیسم جهانی با سرکردگی امپریالیسم آمریکا قرار گرفته است و خلق ما همدوس با مردم عراق باید علیه رژیم عراق مبارزه کند مردم ایران و عراق خواهان مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا، مبارزه علیه صهیونیسم و نابودی همه مظاهر سلطه امپریالیسم و صهیونیسم در منطقه هستند. مردم عراق می‌دانند چنگی را که رژیم عراق علیه مبین ما آغاز کرده، ضدیت با مصالح و منافع مردم ایران و

عراق و همه خلق‌های خاورمیانه است و از همین رو ادامه این جنگ رژیم عراق را مغرورتر و رسواتر خواهد ساخت.

رژیم عراق هم‌اینک در برابر حبه نیرومندی از نیروهای نرقخواه خلق‌های کرد و عرب عراق و در برابر سسل نارضایی نوده‌های ستمکش عراق قرار گرفته و هر روز چهره‌های سرکوتگرتر و ارتجاعی‌تر به خود می‌گیرد این حکومت بدون تردید نخواهد توانست در برابر مبارزات خلق‌های ایران و عراق به حیات خود ادامه دهد.

مردم مبارز ایران دوشادوش مردم عراق و سرهای انقلابی و نرقخواه این کشور که هم اکنون با رژیم عراق مشغول مبارزه هستند و دوشادوش خلق‌های فلسطین، عمان، مصر و عربستان سعودی رژیم‌های ارتجاعی صدام، سادات و رژیم‌های سلطنتی عربستان، عمان، اردن و امثالهم را زودتر از آنچه در تصور رهبران ارتجاعی این ممالک درآید به گورستان تاریخ، به جایی که رژیم سنگین‌بهلوی را فرستادند، خواهند فرستاد.

هم اکنون در آخرین سال‌های عمر امپریالیسم جهانی، مبارزات شورانگیز خلق‌های زیر سلطه جهان از آمریکای لاتین گرفته تا آفریقا و آسیا به سرعت روبه اعتلاست. پس از انقلاب‌های ایران و نیکاراگوئه، خلق‌های شیلی، السالوادور و آرژانتین، ترکیه، عراق، پاکستان، عمان، مصر، آفریقای جنوبی و... هر روز پیکار انقلابی خود را علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و رژیم‌های ارتجاعی گسترش می‌دهند، چشم‌انداز بیرونی نهایی خلق‌های جهان بر امپریالیسم، چشم‌انداز

پیروزی سوسیالیسم، هم‌اکنون در افاق‌های نه‌چندان دور پیداست. امپریالیسم آمریکا، رژیم‌های ارتجاعی منطقه و نوکران داخلی آنها نه‌تنها هرگز نخواهند توانست انقلاب خلق‌های ایران و جهان را درهم شکنند، بلکه در برابر طوفان انقلاب به کام مرگ درخواهند غلتید، تهاجمات امپریالیسم آمریکا، رژیم‌های ارتجاعی منطقه و متحدان داخلی آنان را می‌توان با آخرین دست و پا زدن‌های سومی‌دانه یک محکوم به مرگ توصیف کرد.

چه کسانی در

رأس...

بقیه از صفحه ۱۲

جمهوری اسلامی ایران نسبت به ننگران انقلابی و آگاه مبین ماست. همچنانکه در شماره قبل نوشتیم این ننگران مبارز را به بهانه "پاکسازی" تعلیق کرده‌اند. ما بارها گفته بودیم که عوامل امپریالیسم در کمیسیون‌های پاکسازی نفوذ کرده‌اند، اسنادی که کلیشه می‌شود، نشان می‌دهد که علی صرافی رئیس کمیسیون پاکسازی وزارت نفت، مسئول اخراج این ننگران، از چه قماشی است.

صرافی به خاطر "تعهداتی" نسبت به رژیم شاه در سال ۴۳ به لندن اعزام می‌شود. سند در این مورد صریح و گویاست. با توجه به اینکه قانون سپردن تعهد تحصیلی در سال ۱۳۴۹ برقرار شد، روشن است که تعهد صرافی چگونه تعهدی بوده است.

این عنصر مزدور رژیم گذشته مسئول فطی کمیسیون پاکسازی وزارت نفت در لندن، ضمن خوش‌خدمتی به ساواک، مدت‌ها گوینده رادیو بی‌بی‌سی لندن نیز بوده است.

این اسناد باردیگر ترکیب اعضای کمیسیون‌های پاکسازی را زیر علامت سؤال می‌برد. ما می‌گوئیم:

۱- نمایندگان واقعی کارگران می‌باید در کمیسیون‌های پاکسازی شرکت و نظارت فعال و مستقیم داشته باشند. بدون چنین مشارکت و نظارتی دستاوردهای انقلاب کارگران و زحمتکشان مبین، در خطر نابودی قرار دارد.

۲- ترکیب اعضای کمیسیون‌های پاکسازی با ذکر نام و مشخصات آنها باید روشن شود. آنانکه به نام پاکسازی به اخراج کارگران آگاه و مبارز و انقلابی اقدام کرده‌اند، باید افشا و در دادگاه‌های علنی محاکمه شوند.

۳- باید ضوابط و ملاک‌های پاکسازی با شرکت فعال نمایندگان واقعی کارگران تنظیم و بطور روشن توضیح داده شود.

اخبار جهانی

بقیه از صفحه ۹

صحرا

در یکی از بزرگترین نبردهای ماه‌های اخیر که میان رزمندگان جبهه پولیساریو و نیروهای نظامی مراکش رخ داد، انقلابیون صحرا موفق شدند پس از شانزده ساعت پیکار نزدیک به ۳۰۰ تن از نیروهای دشمن را به هلاکت رسانند.

وزارت دفاع صحرا ضمن اعلام این خبر متذکر شد که در این پیکار تعداد زیادی از وسایل نقلیه نیروهای نظامی مراکشی منهدم و عده بسیاری از نیروهای نظامی این کشور به اسارت نیروهای انقلاب درآمده‌اند.

امریکا

بر اساس گزارش‌های منتشر شده از سوی خبرگزاری‌های دنیا، آمریکا در تلاش تهاجم مذبوحانه دیگری به ایران می‌باشد. در هفته‌های اخیر پنتاگون رسماً اعلام کرد که به‌زودی ۲ هزار نفر از نیروهای نظامی آمریکا که جزو نیروهای "سریع‌العمل" محسوب می‌شوند به مصر خواهند رفت.

از سوی دیگر گروه‌های وابسته‌ای که در خارج از کشور به سر می‌برند نیز بر فعالیت‌های خود افزوده‌اند.

اخیراً گروه‌های مختلف مانند هواداران بختیار و اویسی در پاریس با یکدیگر ملاقات کرده و برنامه‌های خود را هماهنگ کرده‌اند. به قرار اطلاع با پشتیبانی و حمایت کامل آمریکا نیروهای ضد انقلاب در صددند در ماه‌های آینده دست به انجام کودتای دیگر بزنند، به این منظور یک شورای عالی مرکب از بختیار و اویسی تشکیل شده است.

بقیه از صفحه ۸

تجربه‌شیلی

نیروی دفاعی آنها از حق حاکمیت کشور کوشش خاصی بی‌دول می‌دارد.

۴- اقتصادی:

الف - ملی کردن صنایع بزرگ مس، نیترات پد، آهن و معادن دغال سنگ.

ب - ملی کردن سیستم مالی کشور بخصوص بانک‌های خصوصی و شرکت‌های بیمه.

ج - ملی کردن تجارت خارجی.

د - ملی کردن شرکت‌های بزرگ توزیع کننده کالاهای خارجی و انحصارات مربوط به آنها.

ه - ملی کردن انحصارات صنعتی استراتژیک.

و - ملی کردن تمام صنایعی که در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور نقش تعیین کننده‌ای دارند.

ز - خطوط راه آهن، هوایی و دریایی، ارتباطات تولید و تصفیه نفت و مشتقات آن، منجمه گاز - تولیدات آهن و فولاد، سیمان، صنایع پتروشیمی و شیمیایی سنگین، سلولوز و کاغذ.

۵- کشاورزی:

الف - شدت بخشیدن به رفرم ارضی از طریق مصادره زمین‌هایی که از حد مجاز بیشترند.

ب - مصادره زمین‌های موات و احیاء آنها.

ج - برقراری مالکیت دسته‌جمعی بر زمین‌های مصادره شده و تشکیل موسسات کشاورزی دولتی.

د - واگذاری زمین به دهقانان.

ه - برقراری کار جمعی در زمین‌های بسیار کوچک.

ز - حفظ حقوق سرخپوستان محلی.

در مجلس شورای اسلامی چه می گذرد؟

مجلس باید

حکم به محاکمه جاسوسان امریکائی بدهد

۱۰ ماه پس از تسخیر مرکز جاسوسی امپریالیسم آمریکا، مجلس شورای اسلامی رسیدگی به کار گروگانها را آغاز کرد. چگونگی تصمیم گیری درمورد سرنوشت گروگانها در شرایط کنونی از اهمیت زیادی برخوردار است و مجلس در این تصمیم گیری نشان خواهد داد که ناچه اداره خواهان مبارزه با امپریالیسم است.

موقت را محکوم ساختند. نماینده رشت، محمد خزائی گفت: "واقعیت این است که تصرف لانه جاسوسی فریاد ملت ایران و همسایه مستضعفان جهان بر علیه آمریکا و مظالم آن بود. تمام مطالبی که ما در این ربع قرن با بیشتر چشیده ایم، ناشی از نوع حکومت آمریکا بر ملت ایران بوده است."

نماینده همدان نیز به درستی خاطر نشان ساخت: "آیا فشارهایی که بر ما و انقلاب ما وارد آمده است جهت گروگان گیری است یا از ماهیت آمریکا و ماهیت انقلاب اسلامی ماست؟ جواب روشن است. اگر تجاوز را از امپریالیسم بگیریم، دیگر امپریالیزم نیست. علی اکبر ولایتی نماینده تهران نیز با توجه به همین مسئله گفت: "ماهیت و طبیعت حکومت و سیستم آمریکا طوری است که تجاوز در آن نهفته است. یعنی حیات امپریالیسم بسته به این است که دیگران را استثمار کند و گرنه خودش از بین خواهد رفت. او آنگاه ادامه داد: "سپس ما

نظر و خواست توده های مردم درمورد جاسوسان به خوبی روشن است. زحمتکشان ایران تاکنون بارها در نظرات میلیونی، خواست خود را مبنی بر محاکمه جاسوسان امپریالیسم اعلام داشته اند. جای کوچکی نرودیدی نیست که مردم به همانگونه که محاکمه گروگانها را مورد پشتیبانی و وسیع خویش قرار خواهند داد، هر عمل و رفتار سازشکارانه ای را که در این مورد صورت بگیرد، محکوم خواهند نمود. مجلس اگر از نقطه نظر خواست مردم و مصالح انقلاب حرکت کند باید بی هیچ تردیدی حکم بر محاکمه جاسوسان امریکائی بدهد. محاکمه جاسوسان امریکائی به دفع انقلاب است زیرا موجب افشای نقش و ماهیت امپریالیسم و دوستان

داخلی و خارجی آن، ارتقاء سطح آگاهی توده های مردم و تصفیه و انفراد بازم بیشتر لیبرالها و دیگر نیروهای مورد حمایت امپریالیسم می گردد. در طول چند جلسه اخیر مجلس شاهد بودیم که چگونه این جلسات توسط برخی از نمایندگان به جلساتی برای افشا و محکوم ساختن عملکردهای ضدانقلابی دولت موقت و امپریالیسم آمریکا تبدیل شد. این نمایندگان به درستی بر ماهیت تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا اشاره کرده و اعمال سازشکارانه دولت

تماسهای خود با برژسکی و دیگر مقامات امریکائی را فاش سازند. آنها بازم کوشش کردند که خود و دولت موقت را تبرئه کنند. از جمله مهندس بازرگان باز هم کوشید که جاسوس امریکائی امیرانظام را تبرئه کند و گفت: "آقایان بر خلاف اصول اخلاقی و اسلامی به او تهمت می زنند!" نمایندگان مجلس علیرغم برخی مخالفتها تصمیم گرفتند ادامه بررسی را به کمیسیون ویژه ای واگذار کنند که جلسات آن غیر علنی خواهد بود. روشن است که تصمیم به قطع جلسات علنی مجلس در مورد گروگانها در واقع جلوگیری از افشای بیشتر عملکردهای دولت موقت و ماهیت تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا می باشد. چنین تصمیمی بک تصمیم نادرست بوده و طبیعتا بیش از همه موجب شادگامی نمایندگان لیبرالها که ادامه جلسات علنی به افشای هرچه بیشتر آنها می انجامد خواهد شد. عناصری چون مهندس بازرگان نخست وزیر دولت موقت و دکتر یزدی وزیر بقیه در صفحه ۱۳

گازوئیل ایران در خدمت ارتش ترکیه

در تاریخ ۱۲ دی ماه ۵۸ موافقت نامهای برای فروش روزانه ۴۰۰۰۰۰ لیتر نفت گاز و ۱۲۰۰۰۰ لیتر نفت کوره به کشور ترکیه بین استاندار آذربایجان غربی و مقامات دولت ترکیه بسته شد. این اقدام از بسیاری جهات به سود امپریالیسم و مخالف منافع زحمتکشان ایران است.

اولا - نفت گاز تحویلی به دولت ترکیه، نفت گاز مورد نیاز بازار داخلی بوده و قیمت مورد معامله بر اساس نرخ فروش داخلی که از هزینه واقعی آن کمتر می باشد، صورت گرفته است. هزینه واقعی هر لیتر نفت گاز ۳/۶۰ ریال و نفت کوره ۲ ریال است. در حالی که قرار داد بر مبنای ۲/۴۰ و ۱/۲۰ ریال در هر لیتر بسته شده است.

ثانیا و مهم تر از آن از آنجائی که کشور ترکیه وابسته به امپریالیسم جهانی است و بخصوص پس از کودتای اخیر امریکائی در ترکیه این اقدام جز به سود امپریالیسم تمام نخواهد شد، اکنون این نفت گاز مفت و مجانی، تانکها و وسایل جنگی ارتش مزدور ترکیه را برای کشتار مردم زحمتکش و کارگران قهرمان ترکیه به حرکت درمی آورد.

این اقدام که دقیقا در خدمت اهداف و مقاصد امپریالیسم آمریکا در منطقه درآمده است، می بایست هرچه زودتر لغو و به اطلاع کارگران و زحمتکشان میهنمان برسد.

تجار بزرگ احتکار می کنند تا گرانتر بفروشند

در صفحه ۱۵

متحد شویم!

تجاوزات امپریالیسم آمریکا و رژیم عراق را درهم کوبیم!

برای استحکام هرچه بیشتر صفوف متحد مردم میهنمان علیه امپریالیسم

برای نشان دادن اراده واحد مردم میهنمان جهت درهم شکستن تجاوزات

رژیم سرکوبگر عراق

در راهبیمائی دانش آموزان علیه توطئه ها و تجاوزات امپریالیسم

و رژیم سرکوبگر عراق شرکت کنیم

تذکره: اگر مردم متحد باشند، آمریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت)

اول مهر ماه ۱۳۵۹

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر